

عصر سلجوقی بستر باز تولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

سید سعید سید احمدی زاویه^۱

مهران گلستان^۲

چکیده

تاریخ ایران دوره سلجوقی را می توان عصر احیاء یا باز تولید ایران باستان - به خصوص امپراتوری ساسانی - دانست. دیوان سالاران و دبیران با فرهنگ ایرانی در این دوره با توجه به علقه ها و خاستگاه ها - همچون خواجه نظام الملک، محمد بن عبدالخالق میهنی، منتخب الدین جوینی، ابوطاهر الطرطوسی و دیگران، که از حافظان فرهنگ و تمدن کهن ایران به شمار می رفتند - تمام سعی خویش را به کار بستند تا عظمت ایران باستان و افتخارات آن را در ابعاد و زمینه های مختلف احیا کنند و در این راستا مدل ساسانی، یکی از موفق ترین این مدل ها محسوب می شد که - باز تولید نظام و ساختار ساسانی در بستر سلجوقی - مجالی برای ظهور دوباره پیدا کرد .

پرسش اصلی این پژوهش متکی بر این است که: بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی مبتنی بر چه دلایلی بوده است؟

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزارهای کتابخانه ای - اسنادی به انجام رسیده، و نتایج حاصل آن ناظر بر این دست آوردها می باشد که در این مرحله به صورت فرضیه های ذیل مطرح می شود.

الف: به واسطه هماهنگی و همبستگی نظام حکومتی ساسانی با زیرساخت های فرهنگی و آرمان های توسعه ای ایران و قوت و درستی ای که در این شبکه ارتباطی وجود داشته، سلاجقه با درک و شناخت درستی و صحت آن تلاش خود را معطوف به بازنمایش همان نظام نمودند.

ب: سلاجقه بواسطه باوری که به نظام خطی در تاریخ داشته، رویکرد توسعه ای خود را بر تجارب و مطالعات نظری نظام ساسانی قرار داده و با بهره گیری از تحولات دینی، اقتصادی و اجتماعی عهد خود ضمن احیاء ساختار ساسانی به عنوان الگویی کارآمد، پوسته و محتوای اسلامی به آن الگوی اولیه افزوده شد.

^۱ . دانشیار دانشگاه هنر. zavieh@art.ac.ir

^۲ . دانشجوی دکتری رشته پژوهش هنر دانشگاه هنر. Golestan_mehran@yahoo.com

یافته های تحقیق نشان می دهد که با روی کار آمدن سلجوقیان در ایران بود که مرزهای ایران به عظمت و گستردگی عصر ساسانی نزدیک شد، علاوه بر آن سلطان سلجوقی، هم چون شاهنشاهی ساسانی، فرمانده کل قوا گردیده، و تاجی هم چون تاج خسرو انوشیروان بر سر او جای گرفت و القابی چون "شاه" و "شاهنشاه" به وی داده شد، و سلطان ترک سلجوقی، صاحب فره ایزدی (شاهی، کیانی) و "ظل اله" خوانده شد؛ در این دوران نظام اداری ایران و ساختار دیوانسالار، وزن و اعتبار خیره کننده ای یافت و از حد ساسانی و البته با گرده برداری هایی از آن فراتر رفت. این گرده برداری ها به عرصه هنر نیز راه یافته، و هنر و معماری از این بازتولید بی نصیب نماند و چنانچه در عرصه های مختلف، شاهد احیای جلوه های هنری عصر ساسانی هستیم.

در مقایسه ساختمان هایی از در دوران باستان با ریشه خالص ایرانی مانند کاخ فیروزآباد یا کاخ سروستان، با مسجد جامع اصفهان و مسجد زواره و ... در دوره اسلامی عصر سلجوقی، این نکته را آشکار می سازد که در این ابنیه ما با نظامی ترکیبی مواجهیم، نظامی متشکل از ایوان ها و گنبدهایی بر قاعده مربع، و چهارطاقی ها، که در همه آنها تفاوت بیشتر در منظره و لباس است که اسلام بر ساختمان های ساسانی پوشانده و تلاش کرده است تا مفهومی به آنها بدهد که معماری ایرانی نسبت به قبل متمایزتر گردد. اقدامی که امتداد آن، تبدیل به فرایند شده است، تا آنجا که امروزه، شاهکار مساجد ایرانی را مساجد چهارایوانی می دانند، پدیده ای که ریشه در دوره اشکانی و ساسانی، و بازتولیدش در دوره سلجوقی دارد.

واژگان کلیدی

دیوانسالاری سلاجقه، دیوانسالاری ساسانیان، معماری ساسانی، معماری سلجوقی، اندیشه ایران شهری

مقدمه

تحولات عمیق و گسترده در یک جامعه را نباید به معنی نابودی و محو کامل همه بینش ها، ارزش ها، سازمان بندی طبقات و سنت ها و مناسبات فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی پیشین در آن جامعه دانست. اگرچه تحولات نوین ساختارهای کهن را دگرگون می سازد اما محو و نابود نمی سازد بلکه ساختارها، بینش ها و سنت ها به تدریج در طرح و ساختار جدید نفوذ کرده و به گونه ای تازه بازسازی می شوند. این تدوام ساختار و بینش را می توان در حوزه سیاست

و هنر به خوبی مشاهده کرد؛ چنانچه انتقال نظام دیوانی به دوره اسلامی، در کنار انتقال سازه ها و بناها، همچون انتقال چهارطاقی ها از دوره ساسانی به دوره اسلامی را می توان مثالهایی برای این تداوم و انتقال به شمار آورد.

با ورود اسلام به ایران، جامعه ایرانی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی، در آستانه تحولات بنیادی قرار گرفت. نظام سیاسی حاکم بر ایران (دولت ساسانی) در مقابل حملات اعراب مسلمان تاب تحمل نیاورد و فرو پاشید. در چنین شرایطی، جامعه ایرانی در موضع انفعال کامل قرار گرفت و طبقات ممتاز و متنفذی همچون دهقانان و دبیران، با درک درست از شرایط جدید در صدد بر آمدند با استفاده از تجارب تاریخی خود، در امور ملکداری با فاتحان مسلمان همکاری کنند. در این میان، دبیران به عنوان حاملان تجارب ملک داری و امور دیوانی، نقش تاریخی مهمی ایفا کردند. روند ورود دبیران ایرانی به عنوان طیفی از جامعه مغلوب به تشکیلات دیوانی دوره اسلامی و حضور مستمر و فعال و تاثیرگذار آنها در این تشکیلات و سپس ارتقاء تدریجی جایگاه و مقام آنها، از کتابت تا وزارت، تحت تاثیر عوامل مختلفی تحقق یافت. البته این یک نقطه ضعف برای فاتحان عرب نبود، چرا که ایرانیان و رومی ها هم به طور مستقیم قادر به اجرای حاکمیت مطلق و در تمام ابعاد آن بر دیگری و اعراب نبودند. اساساً سیاست و حکومت هم به مانند هر مناسبت اجتماعی مستلزم شناخت، تجربه و ادراک حسی و عاطفی است، و این مهم در بهترین صورت اش زمانی محقق می تواند شود که وابستگان بومی در اعمال حکومت جانشین فاتحان باشند. ساتراپ های هخامنشی اولین و بهترین الگوی چنین شیوه ای است که تاریخ ضبط کرده و امروزه نیز شاهدیم که تغییر صورت استعمار در قرون میانه به چهره نوین اش نه تنها موجب تداوم و بقا حاکمیت استعمارگران در سرزمین های مغلوب بلکه به لحاظ ارزیابی عمومی نیز کمترین تنش ها و اشتباهات را به دنبال داشته و دارد.

با توسعه قلمرو دولت اسلامی که به دنبال فتوحات در قلمرو امپراطوری های ساسانی و روم صورت گرفت، به تدریج مشخص گردید که تشکیلات ساده دولت اسلامی، از ظرفیت و توان لازم برای اداره قلمرو رو به گسترش اسلامی برخوردار نیست. از این رو، شرایط برای استفاده از تجربه طبقات فرهیخته ملل مغلوب، از جمله ایرانیان، که از تجربه و سابقه مناسبی در ملک داری و اداره امور دیوانی برخوردار بودند، فراهم گشت. (محمدی، ۱۳۷۴: ۷۴)

حضور و ورود اسلام در ایران به گونه ای بود که از همان آغاز جایگاه رفیع فرهنگ و تمدن ایرانی در مقایسه با دیگر کشورهای مفتوحه مسلمانان نمایان و قابل تفاوت بود. فرای عقیده دارد که ایرانیان از جمله اقوامی بودند که توانستند ایرانیت خود را حفظ کرده و این ایرانیت را در همسویی و هماهنگی با اسلام دنبال نمایند. ایران سرزمین گسترده و حاصلخیزی بود که به دست اعراب افتاده بود و به علت پهناوری و گستردگی سرزمینی به وسیله نظام دیوانی (یا همان دفاتر ثبت و ضبط امور مالی) اداره می شد و اداره این امور در دست دبیران ایرانی باقی ماند و دبیران توانستند نقش پیشین خود را در جامعه ایفا کنند، و با این کار از یک سو، تاثیرات منفی، بی تجربگی و ناکارآمدی حاکمان جدید

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی
مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

را تا حدود بسیاری تعدیل کنند. (فرای، ۱۳۷۵: ۸۷) و از سوی دیگر به مثابه بازوی توانمند اداری و اجرایی، اعراب مسلمان را در انجام امر خطیر ملکداری یاری دهند.

بازتولید ساختار ساسانی در بستر سلجوقی

در دوران اسلامی، سلجوقیان نخستین دولتی بودند که توانستند حدود قلمرو خود را همانند مرزهای ساسانی، در نواحی غرب آسیا گسترش دهند. کسب چنین اقتداری توسط سلطان سلجوقی سبب شد تا وی برای خود جایگاهی همانند پادشاهان عصر ساسانی قائل شود. آنها القاب ایران پیش از اسلام را به کار بردند و خود را داری فره ایزدی دانستند که در نتیجه آن اطاعت از سلطان ضروری بود. اندیشمندان این دوره نیز در این زمینه قلم فرسایی های زیادی کردند، همچون محمد غزالی که اندیشه حکومت خود را تحت تاثیر اندیشه های سیاسی ایران باستان ارائه داد و خواجه نظام الملک وزیر سلجوقیان در کتاب خود سیاست نامه، اقتدار پادشاهی سلجوقیان را با عظمت امپراطوری باستان پیوند زد.

تا آنجا که تاریخ گفته است، می دانیم که سلجوقیان از نظر نژادی جزو ترکان غز به شمار می رفتند (حسنین، ۱۹۵۹: ۱۶)، و نام خود را از سلجوق بن تفاق (یا "دقاق" به معنای کمان) گرفتند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۵۷۱۹). آنان گروهی از ترکان بودند که از یک زندگی گمنام قبیله ای در دشت های اوراسیای غربی به طرف جند و از آنجا به بخارا کوچ کرده و امپراطوری وسیعی در خاورمیانه و آسیای میانه تشکیل دادند.[□]

ماهیت حرکت غزانی که سلجوقیان رهبر آن ها بودند، در حد یک کوچ ایلیاتی کوچک بود. دقاق، جد اعلاای خاندان سلجوقی و فرزند او، سلجوق، گویا در آغاز در خدمت بیغو، خان ترکان قرلق قرار داشتند. اختلاف با بیغو، باعث جدایی سلجوق از آن ها شد. (باسورث، ۱۳۷۲: ۲۲۷) آنان در عصر سامانیان، از ترکستان مهاجرت و در مناطق ماوراء النهر و سواحل شرقی دریای آبسکون سکنی گزیدند. این قوم در ابتدا به صورت مزدور در مرزهای خراسان زندگی و با وعده غنیمت به آنها خدمت می کردند و در اثر ارتباط بیشتر با بازرگانان مسلمانان در سال های نخستین قرن چهارم هجری قمری به اسلام گرویدند.^{□□}

سلجوقیان در زمان حضور در مرزهای خراسان در منازعات سامانیان با امرای ایلیک خانی به جانبداری از سامانیان برخاستند. به همین جهت سامانیان مانع رفت و آمد آنها به سرزمین و قلمرو خود نمی شدند. با گذر زمان این قبایل ساکن آسیای مرکزی در جستجوی چراگاه برای دامهای خود، به تدریج وارد ماوراء النهر و خراسان شدند. (محمدپناه، ۱۳۸۸: ۲۸) اقدام سلجوقیان برای استفاده از چراگاه های ماوراء النهر سبب ورود و مرادۀ آنها با شهرهای خراسان می شد به گونه ای که برای بیلاق و قشلاق خود تا نزدیکی بخارا و سمرقند نیز رفت و آمد داشتند.

در این بین نیز سربازان این قبیله ی جنگجو، در نبردهای میان سامانیان و غزنویان در خراسان ایفای نقش می کردند، تا کار به آنجا رسید که سلجوق با کمک فرزندان خود - طغرل بیک و جغری بیک - و سایر جنگجویان قبیله به خراسان حمله کرد و ضمن بیرون راندن غزنویان از آنجا، سلطه خود را بر منطقه تثبیت کردند (محسنیان راد، ۱۳۸۷: ۴۷۴).

البته چنانچه که پیداست در این زمان اوضاع سیاسی و اجتماعی خراسان نیز در دوران فترت خود بوده است، هنگامیکه ترکان سلجوقی به خراسان آمدند، این ایالت در زیر فشار چهل ساله ی حکومت غزنوی که شیره جان روستاییان را مکیده و مبالغی هنگفت به مصرف لشکرکشی ها رسانده، بکلی خراب و ویران شده بود (راوندی، ۱۳۸۲: ۸۴).^{□□□}

صف ارایی سلجوقیان در مقابل غزنویان به ضرر غزنویان تمام شد و چنانچه بیهقی می نویسد به موازات ضعف دولت غزنوی، سلجوقیان سرزمین های بیشتری را تصرف می کردند.... (بیهقی، ۱۳۵۰: ۵۹۰)

پیروزی طغرل در سال ۴۳۱ ه.ق. در دندانقان مرو به خروج غزنویان از سرزمین ایران و ماوراء النهر منجر گردید و راه حمله به نواحی غربی برای سلجوقیان هموار شد (بوئل، ۱۳۸۱: ۳۱). طغرل در سال ۴۴۲ ه.ق. اصفهان را محاصره کرد و در سال ۴۴۶ ه.ق. رهسپار آذربایجان گردید و بالاخره وی در سال ۴۴۷ ه.ق. وارد بغداد شد.

پیشروی سلجوقیان به سمت نواحی غربی برای ایجاد یک امپراطوری بزرگ همسان با حدود قلمرو ساسانی به سرعت شکل گرفت و با توجه به تسلط آنان بر بخش پهناوری از سرزمین های خاورمیانه و مخصوصا ایران، می توان گفت که با روی کار آمدن آنان، ایرانیان به نحو بارزی توانستند خود را از زیر بار اعراب بدور دارند و دیگر فرمانهای خلیفه را گردن نگذارند. توضیح این مطلب آنست که تا ظهور سلاجقه با اینکه پادشاهان مقتدری از قبیل سلاطین سامانی و آل بویه و حتی سلطان محمود در ایران حکومت می کردند و اقتداری بتمام داشتند و از حوزه خلافت مجزا بودند، لیکن کشور به چندین قسمت منقسم شد و حکومت در حقیقت یک نوع حکومت ملوک الطوایفی بود، برای مثال سلطان محمود، با ان همه شوکت و جلال پادشاهی به سبب لشکرکشی به هندوستان و نزاع با ترکان ماوراء النهر و خوارزمشاهیان مجال انرا نیافت که فتوحات خود را در تمام ایران بسط دهد و حکومت واحدی تشکیل دهد؛ لیکن سلاجقه در مدت اندکی تمام حکومت های ملوک الطوایفی را از میان برداشته و در تمام ایران رایت سلطنت برافراشتند و حتی ممالک مجاور آسیایی را تسخیر کردند و از ان یک کشور پهناور، بوجود آوردند که مرکز آن ایران بود^{□□} (حلبی، ۱۳۸۱: ۳۵۳).

بی تردید سلجوقیان را باید نخستین حکومت ایرانی پس از اسلام به شمار آورد که مرزهای ایران را - پس از گذشت حدود بیش از چهار قرن - به مرزهای عصر ساسانی رساندند و حتی در برهه ای از تاریخ، گسترده تر ساختند. با نگاهی گذرا به نقشه ی جغرافیایی این دوره و در اوج این سلسله - همزمان با حکومت آل ب ارسلان و فرزند او ملکشاه - در می یابیم که حدود قلمرو ایران و در پی اهتمام کارگزاران و کار به دستان ایرانی دربار سلجوقی و البته با همراهی و هم سویی سلاطین این حکومت از سمت غرب تا دریای مدیترانه امتداد یافت، از شمال تا ارمنستان و گرجستان ضمیمه

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی
مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

ی جغرافیای ایران شد و سیطره ی سیاسی - نظامی این حکومت در قسمت جنوب نیز تا شبه جزیره ی عربستان و تا شهرهای مکه و مدینه امتداد یافت. مرزهای شرقی این حکومت نیز تا ترکستان منتهی می شد. (سومر، ۱۳۸۰: ۱۵۹ - ۱۶۰) و آنچه این اقتدار را به خوبی نمایان می سازد این است که در زمان آلب ارسلان و پسرش ملکشاه، در گستره جغرافیایی از حد چین تا مدیترانه و از شمال دریای خوارزم و دشت قیچاق تا ماورای یمن به نام انان خطبه می خواندند و امپراطور روم شرقی و امرای گرجستان نیز به او خراج می دادند (حلبی، ۱۳۸۱: ۳۵۳).

این پیروزی ها و اقتداری که سلطان سلجوقی کسب کرده می بایست با مشروعیت های سیاسی توأم می بود. شاید به همین جهت نقش دیوانسالاران ایرانی پس از این به جهت پیوند قدرت سلطان سلجوقی با اهرم های قدرت عصر ساسانی بیشتر نمود پیدا کرد.

با آمدن ترکان سلجوقی، به سرعت دولتی با تشکیلات مبتنی بر سلسله مراتب، مطابق الگوی دولت های ایرانی - اسلامی شکل گرفت که در راس آن سلطانی قرار داشت که بوسیله دستگاهی اداری از ایرانیان و سپاهی متشکل از اقوام مختلف تحت سرکردگی غلامان ترک پشتیبانی می شد و در هسته مرکزی آن سردارانی از میان ترکان سلجوق فرمان می راندند (باسورث، ۱۳۸۱: ۳۶۲).

سلجوقیان، از جمله دولت هایی بودند که خود را شاهنشاه نامیدند (بارتولد، ۱۳۸۵: ۲۴)، و بعد از آن سلطان اسلام؛ سلطان به معنای سایه خداوند بر روی زمین که مستقیماً از جانب خدا منصوب می شده است (لمبتن، ۱۳۸۵: ۱۵). در همین راستا سندی که در سال ۴۵۴ هـ. ق. از دیوان رسائل طغرل صادر شده از او به عنوان "شاهنشاه" به رسم پادشاهان عصر ساسانی یاد شده است (ستارزاده، ۱۳۸۶: ۵۲).

این انتقال و جابجایی اندیشه های سلطنتی دوران ساسانی به دوره سلجوقی را می توان در آثار ماوردی و غزالی نیز مشاهده نمود، اوج اندیشه های ماوردی هم زمان با عصر اقتدار سلجوقیان است. او در کتاب خود احکام السلطانیة تلاش نمود تا تصویری جدید از رابطه خلافت و سلطنت ارائه دهد و در آن به تقویت خلافت پرداخت (زرین کوب، ۱۳۵۶: ۵۴).

نگاهی به تعاملات حکومت های محلی ایران و خلیفه در بغداد این نکته را آشکار می سازد که از اوسط قرن سوم قمری و با قدرت گیری امرای کوچک و بزرگ در قسمت های مختلف قلمرو تحت سلطه عباسیان خلفای عباسی به تدریج بخش عمده قدرت و نفوذ سیاسی خویش را از دست دادند. اما با این وجود و طی چند قرن پس از آن خلفا همواره سعی داشتند تا با تکیه بر اهمیتی که تاییدیۀ انان برای مشروعیت بخشی به حکومت های تازه شکل گرفته داشت در صحنه های سیاسی نقش آفرینی نمایند.

ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی (۳۶۵ - ۴۵۰ هـ. ق.) یکی از روحانیان دربار خلافت عباسی - در نیمه اول قرن پنجم هجری - و قاضی القضاة بغداد که از معتمدان خلیفه عباسی القائم (۴۲۲-۴۶۷ هـ. ق.) به شمار می آمد،

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی
مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

در کتابش با عنوان احکام السلطانیه و الولایات دینی که در زمینه فقه سیاسی نوشته شده است، تلاش می کند تا آنچه در سرزمین های اسلامی به وقوع پیوسته را در چارچوب قواعد دینی بریزد. به اعتقاد هامیلتون گیب پس از غلبه آل بویه بر خلافت عباسی و تغییر اوضاع سیاسی جهان اسلام، مارودی کوشید تا جایگاه خلافت را با توجه به دگرگونی ها روی داده توجیه کند. (لمبتن، ۱۳۷۹: ۳۲) هدف ماوردی آن بود که فرمانروایان مستولی بر مناطق مختلف جهان اسلام را به نوعی تابعیت از خلیفه عباسی، هر چند ظاهری، راضی کند.

در همین ایام، غزالی نیز زمانی که به تدریس در نظامیه بغداد مشغول شد، مدینه الاسلام خلفا یعنی شهر بغداد در دست سلجوقیان بود (زرین کوب، ۱۳۵۶: ۵۴).

در چنین شرایط سیاسی جدید، غزالی برای توجیه وضعیت بوجود آمده، یعنی پیدایش سلطنت در مقابل خلافت، میان آن دو تفاوت هایی قائل می شود به نظر وی خلیفه کسی است که به موجب عهد و میثاقی که با جماعت مسلمانان بسته است، منصب امامت یا پیشوایی آنان را احراز کرده است، به همین جهت همه قدرت ها و اختیارات از او ناشی می شود. وی مسئولیت نهایی حسن اداره معاش و تامین رستگاری معنوی آنان را برعهده دارد، ولی منصب حکومت یا کشورداری متعلق به شهروندان یا سلاطین است که صاحبان شوکت، یعنی نیروهای مادی و نظامی اند و در عین حال وفادار به خلیفه. (عنایت، ۱۳۷۸: ۱۵۸)

با این نگاه در نظر غزالی، خلافت عباسیان در دوره فرمانروایی سلجوقیان با چند خطر عمده درونی و بیرونی مواجه بود، در درون با حرکت های معارض اسماعیلیان و در بیرون با صلیبیان و داعیان فاطمی درگیر بود. از نظر وی در این شرایط دستگاه خلافت نیاز شدیدی به قدرت سلجوقیان داشت (محمودی، ۱۳۷۸: ۱۶۲). غزالی با این اندیشه در عین حفظ مقام و شان خلافت، تقویت سلطنت سلجوقیان را نیز مورد لحاظ قرار داد تا خلافت عباسی با تکیه بر قدرت نظامی پادشاهان سلجوقی بتواند با این تهدیدها مقابله نماید. □□

نظام الملک نیز دستگاه خلافت را به منزله عاملی وحدت بخش در جامعه اسلامی آن روز ضروری می دانست و به همین جهت شخصیت هایی را که در جهت براندازی دستگاه خلافت قدم هایی برداشته بودند، منسوب به خوارج یا اسماعیلیه می کرد. (نظام الملک، ۱۳۲۰: ۲۰۱)

اسماعیلیان نیز در دوره ملکشاه بر فعالیت خود افزودند. و اصلی ترین دلیل آن حضور حسن صباح در این دوره است که با فاطمیان مصر نیز در ارتباط بود.

مستوفی می نویسد که حسن صباح در سال ۴۶۹ هـ.ق. برای دیدار خلیفه فاطمی، به مصر رفت و در سال ۴۷۳ هـ.ق. پس از بازگشت به ایران، با سفر به مناطق غربی ایران، مردم را به مذهب اسماعیلی دعوت نمود. (مستوفی قزوینی، ۱۳۳۹: ۴۳۲).

حسن صباح در سال ۴۸۳ هـ.ق. قلعه الموت را پایگاه خود و پیروانش که به نزاریان معروف گشتند، قرار داد. پیشرفت و قدرت و نفوذ حسن صباح به آنجا رسید که ملکشاه، شخصا برای او نامه نوشت.

هر چند ملکشاه سلجوقی در این سالها با فرزندان خواجه نظام الملک به الموت حمله می کند اما در جنگهای نظامی پیروز نیست. حسن صباح و انتخاب الموت به عنوان مرکز اسماعیلیان نزاری و چالش های فرهنگی، سیاسی و نظامی مربوط به آن، منطقه قزوین را حدود ۲۰۰ سال به کانون اصلی رویدادهای مهم کشور تبدیل کرد و بارها شاهد لشکر کشی ها و آثار ویرانگر این جنگ ها بود.

ناتوانی در جنگ نظامی، راه را برای مقابله فرهنگی باز می کند و در شهر قزوین - که در نزدیکی الموت قرار دارد - مساجدی جهت تبلیغ و آموزش و مناظره احداث می گردد. در این راستا شاید بتوان ساخت مسجد جامع قزوین را یکی از پروژه های مقابله با اسماعیلیان قلمداد کرد. این مسجد در آغاز قرن ششم هـ.ق/ دوازدهم میلادی ساخته شد. بنابر نظر غلامعلی حاتم، استاد دانشگاه هنر، این مسجد در مدت ۹ سال در بین سالهای ۵۰۰ هـ.ق. تا ۵۰۹ هـ.ق. در قزوین و در زمان محمد بن ملکشاه ساخته شده است (حاتم، ۱۳۷۹: ۴۴).

بهر روی شاید بهتر باشد تاریخ ساخت مسجد جامع قزوین و تعمیر و تجهیز مساجد شهر را در نگاهی کلان تر، سالهای توجه به منطقه قزوین بدانیم، یعنی ۱۸ سال از تسلط حسن صباح بر الموت (سال مستقر شدن در الموت ۴۸۲ هـ.ق.) می گذرد و ایجاد اماکنی برای مقابله با فعالیت های اسماعیلیان مهم تلقی می شود و در این راستا مسجد جامع قزوین، تبدیل به مرکز توجه و مکانی فرهنگی می شود تا در آن به دفع فعالیتهای اسماعیلیان پردازند. زیرا ملکشاه به وسیله حمله نظامی نتوانست الموت را تسخیر کند و با ایجاد مکانی فرهنگی در نزدیکی الموت می تواند بر فعالیت های فرهنگی اسماعیلیان تاثیر بگذارد. برای طرح این نظریه، مثال های دیگری که مربوط به قزوین و سالهای مورد نظر ماست را می توان بیان داشت، برای نمونه علاوه بر ساخت مسجد جامع قزوین و در اجرای آن پلان فرهنگی در مقابله با اسماعیلیان، ترمیم مسجدی دیگر نیز در دستور کار قرار می گیرد تا با نوسازی آن بتوانند در برابر تهاجمات فرهنگی اسماعیلیان صف آرای جدیدی را رقم بزنند، پس به ترمیم مسجد حیدریه در شهر می پردازند. رافعی و مستوفی آن را "جامع اصحاب ابوحنیفه" خوانده اند. علاوه بر این مسجد در این دوره مسجدی دیگر نیز تبدیل به مرکز فعالیت های فرهنگی می شود، مسجدی در محله درب ری شهر قزوین، مسجدی با نام مسجد سنجدیه که با توجه به قراین موجود باید آن را از آثار دوره سلجوقی دانست. با این اوصاف آیا این ها اقدامات را نمی توان در راستای مقابله با فعالیتهای اسماعیلیان قلمداد کرد؟ فعالیت هایی که پس از ناتوانی در حمله نظامی به الموت صورت می گیرد و عالمانی نظیر غزالی نیز در رد عقاید اسماعیلیان کتابی با نام فضاخ الباطنیه را می نویسد. ایران در دوره حکومت سلجوقیان در اوج اختلافات مذهبی نیز به سر می برد. نظام الملک با الگوی جامعه ساسانی در صدد ایجاد وحدت مذهبی در جامعه سلجوقی برآمده بود و می خواست در سایه این وحدت، ایران را به وحدت سیاسی برساند و از این رهگذر نظام سلطنت

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی
مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

- بجای نظام خلافت - در نظر سلجوقیان کارآمدتر به حساب می آمد. البته جریان نفوذ و توسعه اسماعیلیه در ایران هر چند ظاهری باطنی و فلسفی - مذهبی دارد اما متفرکاتی همچون نظام الملک و غزالی می دانند که این جریان سیاسی و عامل محرک آن در شمال افریقا یعنی سلسله فاطمیان مصر هستند. آنان در اختلاف با عباسیان بوده و در تقویت اختلافات مذهبی و دامن زدن به این اختلاف ها از طریق حمایت از حسن صباح و اسماعیلیان در آن وقت، نه تنها عقبه عباسیان را متزلزل و ناامن می کردند، بلکه زمینه توجه سلاجقه شام و روم را به بغدادافزایش داده و خطر را از مرزهای شرقی مصر کاهش می دادند. به ویژه آنکه نورمان ها نیز از حدود سالهای ۴۶۳ هـ.ق. / ۱۰۷۱ م. و در طی ۷۷ سال جزیره صقلیه، مالطه، مهدیه و قیروان را از تصرف فاطمیان خارج کرده و آنها از طرف اروپائیان نیز تحت فشار قرارداشتند. فاطمیان به منظور خارج شدن از محاصره پیش آمده شرق و غرب و شمال مصر، به دلیل نداشتن قدرت نظامی کافی، تشدید اختلافات مذهبی را در سرزمین های شرقی اسلام و بویژه ایران به دلیل گرایش هایی که به علویان وجود داشت در دستور کار سیاسی - فرهنگی خود قرار داده بودند. □□□

بسترهای سیاسی محملی برای انتقال اندیشه ایرانی شهری :

سلجوقیان که خاستگاه قبیله ای داشتند در اداره امور قلمروشان به دیوانسالاری ایرانی وابسته بودند و این دیوانسالاران ایرانی آنان را با بهره گیری از سنت های ایرانی - اسلامی یاری کردند. سلجوقیان از همان ابتدای فتوحات بر ضعف خود در اداره مناطقی چون خراسان آگاهی داشتند. طغرل به هنگام فتح نیشابور خطاب به قاضی صاعد از بزرگان شهر گفت: "ما مردمانی نو وغریبیم و رسم های تازیکان ندانیم." (بیهقی، ۱۳۷۴: ۸۵۵) لذا برای جبران این کمبود مانند اغلب فاتحان به دیوانسالاران ایرانی متوسل شدند. باید توجه داشت که دیوانسالاری سلجوقی، ریشه در سنت های پیش از خود داشت. ریشه ای که از آن می توان با نام اندیشه ایرانی شهری یاد کرد.

نگاه به تاریخ ایران در قرون اولیه و پیش از برآمدن سلجوقیان در ایران نشان می دهد که گسترش قلمرو و پراکندگی جغرافیایی در سرزمین های اسلامی سبب شده بود به مرور زمان انواع وزارت و امارت به عنوان قدرت های موازی در کنار نهاد خلافت پدید آیند و حکومت های مستقل و نیمه مستقل و خاندان های فرمانروا چون آل بویه، غزنویان با القاب پادشاه و سلطان، تجربه ی حکومت های قبل از اسلام در ایران را تداعی کنند وعلاوه بر آن حکومت های محلی در مناطق مختلف ایران زمینه ای مساعد برای اظهار و اعلام وابستگی خویش به عصر باستان و انتساب شجره نامه خود به حکومت های باستانی فراهم نمودند. با این حال دو عنصر فر و خلوص نژاد ایرانی نیز جزء الزامات شهریاری ایرانی به شمار می رفت. چنانچه بیان شد خواجه نظام الملک نیز در همین راستا تلاش می کند تا با جدی گرفتن جعل نسب از طرف پادشاهان آل سلجوق و تعمیم نظر به شاهی آرمانی به افراسیاب تورانی، سلطان را متوجه ملکان عجم

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

کند. (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۵۷) خواجه نظام الملک در ذکر نسب سلجوقیان، آنها را به افراسیاب می‌رساند. (نظام الملک، ۱۳۷۱: ۷) و (مستوفی، ۱۳۶۲: ۴۲۶) و در همین زمینه نیز تا آنجا که در کتب تاریخی آمده است بسیاری از خاندان‌ها و امیران محلی که تمایل به پیشرفت داشتند بر انتساب پیشینه‌های باستانی بیشتر رغبت نشان می‌دادند. طاهریان مایل بودند که از نسل رستم، آل زیار از کاوه، آل بویه از بهرام گور، سامانیان از بهرام چوبین (اکبری، ۱۳۸۴: ۷۰) شناخته شوند.

اندیشه ایرانشهری به عنوان اندیشه‌ی حاکم بر ملک داری ایرانی که از دوران باستان جزئی از اندیشه‌ی سیاسی حاکم بر جامعه ایران بوده، شاه و نمادهای شاهی به عنوان یکی از مولفه‌های هویت تاریخی، سیاسی ایران داری فراز و نشیب‌هایی از نظر ظاهری بوده است. اما درون مایه‌ی این اندیشه به گونه‌ای بود که قدرت شاهان را بلامنازع نشان می‌داد. روی کار آمدن حکومت‌های ترک نژاد به صورت تئوریک می‌بایست در این روند تغییراتی ایجاد می‌کرد اما آنان نیز از این الگوی ملک داری استفاده می‌کردند. این موضوع، تحت تاثیر نخبگان ایرانی بود. نگاهی به شیوه حکومت داری سلجوقیان پیش از ورود به ایران نشان می‌دهد آنان بر اساس نظام قبیله‌ای حکومت کرده و روزگار می‌گذراندند (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۷۳). فرمانروایان تازه وارد ترک خیلی زود مانند سلاطین غزنوی در سنت‌های ایرانی - اسلامی مستحیل شدند. این امر به خصوص درباره‌ی مقام سلطنت سریع بود. قرار گرفتن سلطان بالاتر از رعایا جهت حفظ قدرت مرکزی و نگهداری ارتش حرفه‌ای و ثابت جهت پشتیبانی از قدرت سلطان، آنها را به سرعت از سنت‌های قبیله‌ای دور کرد. عاملان و مشاوران ایرانی، وزایبی مانند نظام الملک، فرمانروایان ترک را به تعقیب چنین سیاستی که نتیجه آن، افزایش قدرت این فرمانروایان بود، مشتاقانه توصیه می‌کردند (نظام الملک، ۱۳۷۲: ۸۵-۷۵).

خواجه نظام الملک، در فصل هشتم، اندر پژوهش کردن و بر رسیدن از کار دین و شریعت و مانند این، اشکارا پادشاه را دارنده‌ی الهی دانسته و نظریه ایرانشهری را به برخی از خلفا و پادشاهان ایرانی دوران اسلامی تعمیم می‌دهد. خواجه نظام الملک می‌نویسد: اما چون پادشاهان را فر الهی باشد و مملکت باشد و علم با آن یار باشد، سعادت دو جهانی بیاید از بهر آنکه هیچ کاری بی علم نکنند و به جهل رضا ندهند و پادشاهی دانا بودند بنگر که نام ایشان در جهان چگونه بزرگ است و کارهای بزرگ کردند تا به قیامت نام ایشان به نیکی می‌برند، چون افریدون و اسکندر و اردشیر و نوشیروان عادل و امیرالمومنین عمر ... هارون و مامون و معتصم و اسماعیل بن احمد سامانی و سلطان محمود ... که کار و کردار هر یک پدیدار است و تاریخها و کتاب‌ها نوشته است و می‌خوانند و دعا و ثنا بر ایشان می‌گویند. (نظام الملک، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

منتخب الدین جوینی، منشی معروف سلطان سنجر در عتبه الکتبه (منشآت) ضمن به کار بردن واژه پهلوی "همایون" که اصطلاحی است مخصوص شاه یا وزیر برای القاب سلطان سنجر، هنگامی که می‌خواهد شجرنامه حاکم‌ری را وصف کند که توسط سلطان انتخاب شده، پس از ذکر چند نام عربی و احتمالاً معلوم، در آخر او را از نوادگان انوشیروان نامی

بر می شمارد که هر چند اشاره ای به آن ندارد که او همان انوشیروان پادشاه معروف ساسانی (بیست و یکمین پادشاه ساسانی) است، ولی تداعی نام انوشیروان را برای مردم دارد. "قوام الدین معین الاسلام و المسلمین... بلکه خواجه بک ابوالفضایل المظفرین انوشیروان ادام اله تاییده..." (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۹: ۵- ۸)

همچنین این اقدام تداوم دهنده تداعی نام حاکم عهد آل زیار یعنی انوشیروان ابن منوچهر بن قابوس در طبرستان نیز هست و به نوعی حاکی از آن است که پیوستگی حاکمان با سلسله ها و اشخاص شناخته شده اعصار گذشته و بویژه پیش از اسلام، گذشته از آنکه مزیتی نسبی و سببی محسوب می شده بلکه موید آن است که این پیوستگی با گذشته، فضیلتی قابل اعتنا و دارای اعتبار معنادار بوده است، احتمالاً بتوان با توجه به جمیع ارجاعاتی که به گذشته در آثار مولفین و اهل دانش این دوره دیده می شود بتوان اذعان نمود که اساساً آگاهی و دانش از گذشته منقبتی خاص شمرده می شده است. کتاب معروف خیام با عنوان نوروزنامه که نه تنها به نثری ساده و شیوا و به زبان فارسی نگاشته شده (در حالیکه نگارش علمی در بستر فرهنگ و زبان عربی رایج بوده است). بلکه در کنار روایت های تاریخی که در مورد پیدایش نوروز می آورد، و به بهانه همین مساله، آیین و اداب پادشاهان ساسانی را برشمرده و به مسایل گوناگون از جمله شاهان داستانی ایران و آیین جهاننداری ایشان و شیوه ها و رسومی که در این مسیر مرسوم کرده و پایه گذاری نموده اند را ذکر می کند.

در جایی دیگر آثار ابوطاهر محمد بن حسن بن علی بن موسی الطرطوسی که از بنیانگذاران داستانسرایی در ایران است در آثاری مانند دارابنامه و قهرمان نامه تلاش می کند تا فرهنگ گذشته را بازتولید و بازآفرینی کند. محمد بن عبدالخالق میهنی از منشیان قرن پنجم و اوایل قرن ششم ه.ق. در اثری پرارزش باعنوان "دستور دبیری" قدیمی ترین کتاب پارسی را در فن دبیری، کتابت مرسل کرده که در دو بخش مجزا است، نخست به آموزش مختلف فنون کتابت پرداخته ولی مهمترین کار او در سطور این پژوهش همانا بخش دوم اثر اوست که به آوردن انواع نامه هایی که نوشته می شود از صدر تا ذیل آن و عناوین و احترامات و در خواست ها برای سطوح مختلف سلطانی و دیوانی، نه تنها سنت های پیشین را حفظ و یادآوری نمود، بلکه به طور تلویحی برطبقاتی بودن جامعه و سطوح آن صحنه گذاشته و بر تداوم این سنت کوشیده است.

قاضی حمیدالدین عمر بن محمود بلخی، از قضات شهر بلخ در قرن ششم ه.ق. هنگامی که در باب عشق سخن می گوید در اثر خود "مقامات حمیدی" که بنا به گفته ذبیح اله صفا از دیرباز از کتب درسی بوده به هر طریق ممکن تلاش دارد به رمز و اشاره و در اوج محتوای عرفانی و عاطفی به ابیات و اشاراتی، گذشته را یادآور شود. در جایی از این باب موصوف می گوید:

پیدا شد از سپهر علامات صبحدم
بالا گرفت رایت خورشید محترم
از کرسی سپر چو تخت فلک بتاخت
گاهی چو تاج خسرو و گه چو نگین جم

تمام واژه هایی که به کار رفته در این دو بیت چیزی نیست جز اشارات معنادار شاعر به بازگشت روشنی در زیر سایه پرچم شیرو خورشید و نیز پادشاهی خسرو و خرد جمشید.

شاید بتوان اینگونه بیان داشت که تربیت چنین شاهانی و دست یابی او به فضایل شهرداری موضوع و محور اصلی همه این گونه کتابها و اندرزنامه هاست. اندرزنامه های ایرانی افزون بر ایفای نقش تربیتی و اخلاقی، با انتقال تجربیات عظیم کشورداری ایرانیان به مسلمانان نقش سیاسی و اجتماعی مهمی در استقرار حکومت مسلمانان و تحول آن از شکل خلافت به سلطنت ایفا کردند.

حضور گسترده اندیشه ایرانی در چند سده نخست ورود اسلام به ایران وابسته به وجود بسترهای طبیعی بسیاری بود. اعراب که خود تجربه ای در کشور داری نداشتند، ناگزیر بودند در مواردی همانند مدیریت تشکیلات اداری و اقتصادی، نظام پولی و مبادلات تجاری، مدیریت زمین های کشاورزی، دیوانسالاری، نظام ثبت و امور بهداشتی و پزشکی و ... به ایرانیان رجوع کنند و از سده دوم هجری به بعد و در خلال نهضت ترجمه که بسیاری از کتب پهلوی به طور عمده توسط گروهی از مترجمان ایرانی به زبان عربی ترجمه گردید و بدین ترتیب مسیری طبیعی برای احیاء نفوذ و بیشتر فرهنگ ایرانی گشوده شد. در کنار این رویداد بزرگ، احیاء نهاد وزارت به پیروی از آیین کشورداری ایرانیان، نهاد خلافت عربی را متحول کرد و تأثیری سترگ در ایران نهاد.

به بیان دیگر، اندیشه سیاسی ایران باستان، با رشد نهادهای موازی در کنار قدرت خلفا دوباره بازتولید می شود. ادعای حق الهی پادشاهان و انتصاب بی واسطه ی مقام خلافت پس از موروثی کردن خلافت توسط معاویه وارد جهان اسلام می شود. امویان در اخذ این ویژگی ها قصد داشتند حق خویشاوندان پیامبر(ص) را از خلافت دور کرده و مشروعیت سیاسی خودشان را بیشتر نمایند. □□□□

این گونه نگرش در عهد عباسیان که حکومت آنها بیشتر رنگ ایرانی داشت شدت یافت. نقش ایرانیان در روی کار آمدن عباسیان به گونه ای بود که دوره اول عباسی، دوران اقتدار وزاری ایرانی لقب گرفت. نقش برامکه و خاندان سهل در توجه به آداب و رسوم ایرانی یکی از مهمترین عوامل نزاع عنصر عرب و ایرانی برای نفوذ در دستگاه خلافت به شمار می رفت^{□□}(اکبری، ۱۳۸۶: ۲۹). روی کار آمدن عباسیان که از انتساب به خاندان پیامبر هم بهره داشتند، با همکاری گسترده ایرانیان با آنها، سبب احیاء حکومت مطلقه که ایرانیان با آن مانوس بودند گردید. در این شرایط بسیاری از خلفا مدعی بودند که جانشین خدا بر روی زمین هستند. چنانچه در این باره عبدالرزاق می نویسد: با ترجمه عهد اردشیر و نامه تنسر به وسیله ابن مقفع در خصوص مقولاتی چون دین و ملک به صورت رکن اساسی و تئوری در اسلام در آمد(عبدالرزاق، ۱۳۸۰: ۱۹). در زمینه اندیشه های سیاسی ترجمه های ابن مقفع راه را باز کرد و بسیاری از نویسندگان بعد از خودش مانند جاحظ، ابن قتیبه و ابویوسف و دیگران را متأثر ساخت(لمبتون، ۱۳۷۴: ۱۰۷).

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

علاوه بر موارد یادشده، می توان از کتاب های معروف آیین نامک نام برد - که عمده نوشته های باقی مانده از ادبیات دوره ساسانی پس از ورود اسلام به ایران را نشان میدهد - ترجمه عربی این نوشته ها بعدها خاستگاه عمده تدوین بخش نظری کتاب های سیر یا سیاست نامه های دوره اسلامی شد. (اینوسترانستف، ۱۳۴۸: ۳۵) البته کتاب های دیگری نظیر خوتای نامک که بخش بزرگی از داستانهای مربوط به فرمانروایان و وزیران باستانی ایران را با خود داشت در دوره اسلامی به نامهای خدای نامه و در عربی سیرالملوک نامیده می شدند.[□]

تجربه طولانی و تشکیلات کارآمد دیوانیان که زیر نظر وزیر بزرگ کار می کردند حتی در دوره ورود اسلام به ایران نیز باقی ماند و سازمان اداری ساسانی یکپارچه به مسلمانان منتقل گردید. (کریسن سن، ۱۳۵۱: ۱۵۵)

سیاست در نظر ساسانیان چندان دشوار و پیچیده بود که خردمندی و تقسیم کار را بر اساس تخصص و کارایی الزامی می ساخت. از این جهت، بخش مهمی از امور سیاسی در این دوره بر عهده وزیران خردمند و کاردان قرار داشت. گذشته از آن، مشاوره با خردمندان از لوازم سیاست ساسانیان بود. (کریستنسن، ۱۳۸۴: ۸۰-۸۲)

این خاندان های ایرانی با توجه به تجربه و آگاهی عمیقشان از آیین و آداب اداری که برآمده از محیط و پیشینه تمدنی و فرهنگی قومی شان بود^{□□} به مراکز قدرت راه یافتند و مناصب مهمی همچون دبیری و ریاست تشکیلات اداری، وزارت، حکومت نواحی و شهرها را در اختیار گرفتند که خود زمینه ساز نقش آفرینی بیشتر ایشان در سرعت بخشیدن به آهنگ رشد و شکوفایی فرهنگ اسلامی گردید.^{□□□}

به بیانی خلاصه، با ورود ایرانیان به دربار خلافت و همچنین ظهور حکومت های محلی در ایران، اندیشه ایرانی شهری ساسانی در بیانی اسلامی رخ می نمایاند، زیرا شاهان ساسانی بر این اعتقاد بودند که قدرت آنان از سوی خداوند به آنان اعطا شده است و آنان فرمانروای برگزیده بر روی زمین هستند (وسیهوفر، ۱۳۷۸: ۲۰۰) مسئله توجه به فره ایزدی از دوره هخامنشیان به عصر ساسانی انتقال یافت و سپس به عصر اسلامی منتقل گردید. به عقیده ادوارد براون، احتمال می رود در هیچ مملکتی مانند ایران زمان ساسانیان، اصلی که به موجب آن حق آسمانی برای پادشاه قائل شوند پیروانی راسخ العقیده تر از ایرانیان نداشته است (براون، ۱۳۷۱: ۱۹۳).

این نگاه و توجه به پادشاهی آرمانی در آراء و اندیشه های وزیر دوران سلجوقی، خواجه نظام الملک، نیز ریشه گرفت تا جایی که او خرد ایرانی و سنت اسلامی را به هم پیوند می زند، چنانکه شاه از نظر وی دارای آمیزه ای است از میراث ایران باستان و آموزه های اسلامی؛ الگویی کارآمد از شهریارانی که در مواجهه با تحولات تاریخ همانند ورود اعراب و حاکمیت سیاسی جدید، به بقاء خود ادامه داده و حتی به الگوی مسلط تبدیل شده است. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که اندیشه ایرانی با گریز از گسست فکری و تاریخی، یکپارچگی بنیانی خود را حفظ کرده و به ان تداوم بخشیده است.

خواجه نظام الملک، وزیری لایق و مدیری توانا در انجام برنامه های هماهنگ فرهنگی در زمان سلجوقیان بود، اوج قدرت خواجه در عهد ملکشاه سلجوقی چنان بود که ملکشاه بیست ساله جوان، تمام امور مملکت خویش را به خواجه سپرد، خواجه نظام الملک نزدیک سی سال با تدبیر و دانش و فرهیختگی در قلمرو بسیار گسترده و در عصر آلب ارسلان و ملکشاه حکومت کرد. امروز از خواجه نظام الملک اثری ارزشمند و گرانبه نام سیاست نامه باقی مانده است. سیاست نامه بازگو کننده دیدگاه های سیاسی خواجه نظام الملک در عصر شاهنشاهی بزرگ سلجوقیان است که خواجه در آن تلاش می نماید تا راه و رسم فرمانروایی و یا شیوه های حفظ قدرت و حکومت را با مثال هایی از سیره پادشاهان ایرانی نشان دهد، وی در این خصوص تلاش می نماید تا اقتدار پادشاهان عصر سلجوقی را با عظمت شاهنشاهی باستان گره بزند و در این راستا حکایت ها و داستان های بسیاری را در رابطه با پادشاهان ساسانی ذکر می نماید تا این عظمت را بیشتر نمایان سازد.

یادآوری مکرر خواجه نظام الملک در خصوص رسم پادشاهان ساسانی، خطاب به پادشاه عصر خویش توجه دادن شاه و قرار دادن نقش محوری برای وی می باشد. مثالهایی که خواجه نظام الملک از انوشیروان و دادگستری وی می زند حکایت از آن دارد که خواجه تلاش می نماید تا نظر شاه را به عدل و دادگستری انوشیروان که عامل حفظ ملک و حکومت وی بوده است جلب نماید. او مثالهای فراوانی را از نحوه برخورد انوشیروان و حکومت داری او میزند. نفوذ نگرش ایرانی را در روح سلاجقه حتی می توان در مواجهه آنها با رومیان به خوبی مشاهده کرد، جدال ایران و روم تا بدانجا عمیق و ریشه دار است که حتی قرآن به جهت اینکه طرف توجه و اهمیت افکار عمومی بوده از آن به عنوان یک موضوع اعجازی استفاده برده است.

نقش سلاجقه و رشادت و شجاعت آنها در مغلوب کردن صلیبیون عیسوی از جمله عوامل اهمیت و قرب و منزلت آنها در تاریخ اسلام شده است؛ این نفوذ را در جایی دیگر نیز می توان رصد کرد، اشکال سنت ها سفال گری نیز پارچه بافی و تزئینات معماری از ایران تا سوریه و لبنان و سواحل مدیترانه و تا شمال آفریقا در همین دوره اتفاق افتاده و نشانه های روشنی را از انتشار ایده ایران شهری در پوششی اسلامی و برگرفته از سنت های باستانی ایرانی دارد.

در مجموع می توان اینگونه بیان داشت که خواجه در تلاش برای روشن ساختن ویژگی های عصر آرمانی خسرو انوشیروان مقوله های بسیاری را مد نظر قرار می دهد. خواجه تلاش می کند تا راه و رسم فرمانروایی یا به عبارتی شیوه حفظ قدرت سیاسی را نشان دهد. (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۲۲) و در این کتاب تاثیر اندرزهای عصر ساسانی را می توان ملاحظه نمود. کتاب هایی که در طی چند سده و گذر از نهضت ترجمه در میان بزرگان ایران دست به دست می شده است که در ذکر نام برخی از آنان می توان به اندرزنامه، کارنامه اردشیر بابکان و نامه تنستر اشاره کرد.

ابن مسکویه در کتاب تجارب الامم خود که در عصر دیالمه نوشته است، بیان می دارد کتاب **اندرزنامه اردشیر بابکان** شاید بعد از اوستا یکی از ارزشمندترین آثار برجای مانده از دوره ساسانی به حساب آید (ابن مسکویه، ۱۳۶۹: ۱۱۴).

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

کارنامه اردشیر بابکان اثر دیگر به جای مانده از عصر ساسانی است که به چگونگی ظهور و قدرت یابی اردشیر بابکان موسس سلسله ساسانی اشاره دارد و همچنین بر وجود مشروعیت قدرت یابی ساسانیان تاکید می نماید. این اثر نیز شاید از این نظر که نظام الملک در تشریح رویدادها برآن است تا مقام و قدرت شاه را بر یک مشروعیت محکم استوار نماید برابری می کند. چرا که در کارنامه اردشیر بابکان اصل ماجرا حکایت بر رسیدن فره شاهی به اردشیر موسس سلسله ساسانی است (مشکور، ۱۳۶۷: ۴۲).

نامه تنسر نیز از جمله آثار ارزشمند متعلق به عصر ساسانی است (مینوی، ۱۳۵۴: ۱). نامه تنسر، همگام و در راستای سیاست های اردشیر جهت تحقق بخشیدن به اهداف او می تواند به خوانش در بیاید. تبلیغات وی برای ساسانیان و استحکام موقعیت آنها در ابتدای کار بسیار مهم و موثر بوده است. (ایمان پور، ۱۳۶۹: ۲۰) وی در شرایطی تلاش نمود تا وحدت ایران را حفظ نماید که در هرگوشه ای حکومت ملوک الطوایفی عصر اشکانی برقرار بود. به همین خاطر مسائل عصر خواجه نظام الملک از جهت وحدت ملی ایران زمین همان مسائل آغاز عصر ساسانیان است. با توجه به این دیدگاه می توان دریافت که خواجه برای برقراری نظم اجتماعی آن هم در دوره وی که کشاکش های فرقه ای و اندیشه های متفاوت عقیده تی از این جهت مشکلاتی را به وجود آورده بود تلاش می نماید تا حدود مراتب و حفظ اصول بر مبنای واقعی خویش به جای بماند، شاید از این جهت برخی از نوشته های وی کاملاً اقتباسی از نوشته های عصر ساسانی باشد. البته آنچه نظام الملک در باب نظام ایران شهری و مملکت داری و اصول و قواعد حکومت داری از نگاشته های عهد ساسانی بر می گیرد تنها به وی اختصاص ندارد. به واقع پیش از نظام الملک نیز در بهره گیری از اندیشه ها و اندرزه های عصر ساسانی دیگران نیز بهره گرفته اند.

تاج نامه، تاریخ الوزراء، اندرزننامه ها و کتب ادبی - عرفانی، آثار دیگری است که عناصر فرهنگی ایران باستان را در خود جای داده است. علاوه برآن به عنوان نمونه شاهنامه فردوسی، سیاست نامه خواجه نظام الملک، تحفته الوزراء اثر ابومنصور عبدالمالک ثعالبی، تاریخ الوزراء نوشته نجم الدین ابوالرجاء قمی، تاریخ بیهقی، تجارب الامم ابوعلی مسکویه و عهد اردشیر، که همگی این کتب از برترین و تاثیرگذارترین آثاری است که در دوره اسلامی به ایران باستان نگاهی داشتند، ذکری به میان آورد^{□□□}. (اینوسترانسف، ۱۳۴۸: ۹۶)

البته باید یادآور شد که اندیشه سیاسی ایران شهری، که با امپراطوری ساسانی پیوند یافته است در گذشته های دور ریشه هایی بس عمیق دارد که برخاسته از اصل وحدت دین و سیاست و نظریه فرمانروایی الهی است و در کنکاش درباره بنیاد یگانه دین و سیاست در اندیشه ایرانی می توان تا دوران ظهور زردشت که خود از طبقه دینداران بود، عقب رفت. با شکل گیری حکومت مادها و سپس هخامنشیان، آیین مغان و اندیشه های زردشت انتشار وسیعی یافت. در این زمان اگر چه طبقه دینداران رسمیت دارند و دولت نیز خود را به آرمانهای کلی اندیشه ایرانی - مزدایی متعهد می بیند، اما دولت دینی شکل نگرفته است. با حاکمیت ساسانیان و همزمان با رسمیت یافتن این زردشتی، موبدان سازماندهی

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

گسترده ای یافتند و به طور گسترده ای در جنبه های مدیریت سیاسی - اداری کشور درگیر شدند و همزمان سه نقش دینی، اقتصادی و مهم تر از همه سیاسی در حکومت به عهده گرفتند. در این زمان از طریق همکاری و هم ترازی دین و دولت آیین مزدایی رسمیت یافته و دینیاران به ایفاء نقش سیاسی می پردازند. اندیشه ایرانشهری در دوره ساسانیان به کمال خود می رسد، مجموعه ای از افکار و رفتار سیاسی که در آثار مکتوب به جای مانده از آن دوران و نیز سلوک شاهان و دولت مردان ساسانی تجلی یافته است.

معماری بستری مناسب برای تداوم باز تولید معماری ساسانی:

فرهنگ هر جامعه ای به شیوه ها و با سازکارهای مختلفی به نسلهای آینده انتقال می یابد که مهمترین و عمومی ترین آنها می توان به " زبان"، "ادب و رسوم" و " نظام های فکری" شامل علم، هنر، دین، اخلاق، فلسفه و عرفان اشاره کرد. انتقال و تداوم فرهنگی معمولا به یکی از این شیوه ها و یا ترکیبی از آنها صورت می گیرد. در این میان هنر هر قوم بازگو کننده نحوه اندیشه و جهان بینی و معتقدات و سنت های آن قوم است. هر چه بنیادهای فرهنگی ملتی استوارتر و ریشه دارتر باشد تجلیات هنری آن ملت هم در طی تاریخ تکامل آن یکنواخت تر و از نوسانات و تحولات و گسستگی ها بیشتر بر کنار می باشد و معماری ایران چون بسیاری دیگر از مظاهر فرهنگی ما در طول تاریخ حیات خود از تداوم کم نظیری برخوردار بوده است.

هنر معماری به جای مانده از گذشته ی دور نشانگر قدرت حکومت ها بوده و در طول تاریخ ایران اسلامی، هر حکومتی که روی کارآمده است، سعی در ساختن بناهای گوناگون به ویژه مسجد داشته و توجه به مساجد را از مهم ترین و ضروری ترین برنامه های خود قلمداد می کرده است.

معماری ایران علیرغم ورود عنصر جدید نژادی که طبقه قدرتمند نوپایی را شکل داد، در دوره سلجوقیان بدون وقفه ادامه یافت.

بعضی از جنبه های معماری نیز همچنان پائید نظیر کاربندی گنبد دوپوسته و بعضی از وجوه تزئینی معماری و شیوه ای ساختمان سازی؛ ولی بطور کلی پلانها و ویژگی های ساختمانی که در آن روزگار برپا شد، گو اینکه تا حدودی تحت تاثیر کارکردهای جدید و مختلف قرار گرفت، ولی اساسا ایرانی باقی ماند و از سنت باستانی ایران مایه گرفت و بدان مکتبی شد. در این دوره معماری، چه مذهبی و چه انواع دیگر، مخصوصا در فاصله بین هجوم اعراب و ظهور سلجوقیان - البته به استثنای چند مسجد از نوع مساجد عربی، باقی از قوالب چهارطاق و یا آتشکده بهره گرفت. (کاتلی، ۱۳۷۶: ۱۰)

بسیاری آتشکده های عصر ساسانی در همان روزهای اول گسترش اسلام به صورت مسجد درآمد و گنبدهای چهارطاقی هسته اولیه مساجد را بنیاد نهاد. برای نمونه آتشکده های دوره ساسانی، هشت در و چند تالار هشت گوش داشته است.

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر باز تولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

در مورد چهارطاقی های آتشکده ها تنها تغییری که به عمل آمد آن بود که یکی از دهانه های چهارگانه که با سمت قبله سازگار بود بوسیله دیواری مسدود گشت و در دورن آن محرابی تعبیه شد و بدینوسیله طرح مساجد چهارطاقی تکمیل گردید. زنده ترین نمونه یک چهارطاقی ساسانی که به مسجد تبدیل شده است را می توان در یزد به وضوح مشاهده کرد. مسجد جامع یزد است که آتشکده بوده و در دوره اسلامی به مسجد تبدیل گشته است. (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۲۵) این تبدیل بناهای ساسانی به مسجد حتی در خصوص ایوان مداین نیز برای مدتی انجام داد تا آنجا که سعد بن ابی وقاص، قسمتی از ایوان مدائن را به مسجد تبدیل کرد (مسعودی، ۱۳۷۰: ۱/۶۱۱)

این امتداد معماری و تداوم نسل به نسل را می توان در آثار بر جای مانده به خوبی مشاهده کرد، چون بخش کهن مسجد جامع نیریز که بخوبی نشان دهنده تداوم معماری ساسانی در دورانهای بعد است. قسمت کهن این مسجد عبارت از یک ایوان بزرگ است که از هر منظر معماری ایوان کاخ مدائن را بخاطر می آورد. در اصل مسجد عبارت از همین یک ایوان بوده است و متعلقات دیگر آن هم همگی در دورانهای بعد بدان افزوده شده است.

یوسف کیانی نیز در کتاب تاریخ معماری دوره اسلامی عقیده دارد که بسیاری از مساجد باشکوه کنونی ایران مربوط به قرون اولیه اسلامی، دنباله ی همان بناهای باستانی به شمار می روند. (کیانی، ۱۳۸۷: ۲۰)

بازتولید محیطی اندیشه سیاسی در مساجد و مدارس:

قرن پنجم - همزمان با حکومت سلجوقیان که از نظر توسعه ی هنرها، به ویژه معماری، یکی از دوره های درخشان هنری ایران است - در حقیقت زمان اصلی روند دگرگونی ساختار بناهای شبستانی طرح عربی به طرح چهار ایوانی است که انقلابی در معماری ایران پدیدآورد.

مسجد پایگاه قدرت نمایی جلال شاهانه بود همانگونه که قصرهای ساسانی در حدود چند قرن قبل از ملکشاه، از این عظمت برخوردار بودند - و ایوان و گنبد نیز به عنوان نماد پادشاهی ایرانیان از زمان پارت ها محسوب می شد - از این رو چندان دوراز ذهن نیست که معماری نگهداری شده ی ایرانی پیش از اسلام در بسیاری از مناطق تا قرن ۵ هـ ق. جنبه های حاکمیت را بیان می دارند و مضامینی همچون (دین و دولت: یا همان اندیشه ایرانشهری) با بهره گیری از تجلی مذهب در مقام حاکمیت دنیوی ارزش یابند. این معماری به طور رسمی معماری مقدس و مذهبی در ایران و سرزمین های همسایه ی ایران جامعیت بخشید. به دین ترتیب می توان حدس زد که در پس ساخت و سازی که خواجه نظام الملک در مسجد جامع اصفهان به عمل آورد اندیشه ای نهفته بود که می توانست اندیشه ایرانشهری باشد. این امر می تواند تفسیری ملی گرایانه نیز با خود داشته باشد: در حکومتی که عنصر ایرانییت غلبه داشت، هر چند سلطان آن ترک نژاد و بر زبان عربی تسلط کامل داشت، اما زبان فارسی را زنده نگه داشته و از طریق آن به بازتولید اندیشه ایرانشهری در معماری اسلامی نیز گرایش پیدا کردند. برای این کار باید ساختار معماری جدیدی به وجود می

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

آمد: نوآوری هایی که در خود ماهیتی قدیمی و معیارهای کهن داشته باشند. گابه اعتقاد دارد که در مسجد جامع اصفهان، اسلام و ایران به سبک ایرانی در هم آمیخت و ایده ایرانی (دین و دولت: اندیشه ایرانی شهری) ابتدا در این مسجد به ظهور رسید. (ر.ک به: گابه، هانس. ۱۹۹۳. مساجد ایرانی (مجموعه سمینارهای ایران در دوره اسلامی: هنر، تاریخ و ادبیات). دانشگاه کلن. صفحه ۳۷۳).

در پادشاهی آرمانی خواجه نظام الملک، خرد ایرانی و سنت اسلامی به هم پیوند می خوردند، چنانکه شاه از نظر وی دارای آمیزه ای است از میراث ایران باستان و آموزه های اسلامی. آنچه در سیاستنامه آمده است ذکر مثالهایی است از اتفاقات باستان که می بایست مورد نظر حکام عصر خودش قرار می گرفت و در رابطه با تجسد عینی اندیشه ایرانی شهری در بناهای معماری، شاهد ظهور بناهایی هستیم به نام مسجد - مدرسه. مدرسی که هرچند جدای از مساجد ساخته شده است اما با حیات مذهبی و روحانی اسلام نیز پیوند دارد.

آنچه در اندیشه نظام الملک در خصوص این مدارس می تواند مورد نظر قرار گیرد این است که با توجه به امکانات دولت سلاجقه بتواند یک دین - یک نظام عقیدتی بر پایه مذهب اهل تسنن - را در گستره جغرافیایی سلجوقیان رواج دهد تا به وسیله اتحاد مذهبی به تحکم پایه های مملکتی نیز همت گمارد. در ثانی تاسیس این مدارس به پیشرفت و احیاء مذهب سنت در عراق و ایران، و مقابله با اعتبار خلافت فاطمی در قاهره می توانست برابر کند. منابع می گویند که خواجه در دفاع از سنت نقش قاطعی داشته است... ظاهراً نظام الملک می خواست به سرعت نهادهای آموزشی را در عالم اهل سنت مشرق برآورد و آنها را بدیل و همپایه ی نهادهایی که در اسپانیای اموی و مصر فاطمی هنوز رونق داشتند، بسازد. علاوه بر این او به بالا بردن پایه تعقل در سراسر مشرق غیرفاطمی عالم اسلام از طریق گنجاندن این نهادها در الگوی آموزشی که از پشتیبانی دولت برخوردار بود، همتی وافر گماشته بود (بوئل، ۱۳۶۰: ۷۵).

به علت بهرمندی از اساتید چهار فرقه مذهب تسنن در مدارس و تامین فضایی برای تدریس آنان، طراحی فضایی چهارایوانی برای امور آموزشی مدنظر قرار گرفت تا آنجا که به موجب تحقیقات آندره گدار اولین مدرسه چهارایوانی شناخته شده همانست که نظام الملک وزیر ایرانی آلب ارسلان و ملکشاه در خردگرد خراسان در حدود سالهای ۴۸۰ هـ.ق. بنا نمود. هنگامیکه که در کشورهای دیگر موضوع احتیاج به مدرسی که دارای چهار دستگاہ عمارت باشد مطرح گردید این طرح ایرانی مورد پسند قرار گرفت و از این نقشه تقلید به عمل آمد. مدارس چهارایوانی چون مستضریه بغداد و یا صالحیه قاهره که معمولاً آنها را قدیمی ترین مدارس چهارایوانی می دانند در سالهای پس از مدرسه خرگرد یعنی نزدیک به دو قرن بعد بنا شده اند و مدرسی چون ناصریه در حدود دوقرن و نیم پس از خرگرد شناخته شده است.

علاوه بر این نظام الملک در سراسر امپراطوری سلجوقی به تربیت کارکنان معتمد، نظیر منشیان و دبیران احتیاج داشت و احتمالاً کلید انگیزه های خواجه در اینجا قرار داشت. از این گذشته آموزش در این مدارس، نظیر دیگر نهادهای آموزشی، آزاد و رایگان بود، و به دانشجویان مقرری پرداخت می کردند (بویل، ۱۳۶۰: ۷۶) یکی از معروفترین این مدارس، مدرسه نظامیه بغداد بود. مدرسه ای در قلب خلافت آن روزگار. بنای این مدرسه در سال ۴۵۸ هـ ق / ۱۰۶۵ م. آغاز شد و بسال ۴۶۰ هـ ق / ۱۰۶۷ م. پایان یافت.^{□□} (براون، ۱۳۶۶: ۲۵۹) با این اوصاف می توان مدارس دیگری را نیز همچون نظامیه نیشابور، نظامیه مرو، نظامیه اصفهان، نظامیه هرات، نظامیه غزنه، نظامیه خرجرد و ... را نیز نام برد.

گنبدی بر قاعده ای مربع؛ از ایوان ساسانی تا ایوان اسلامی

بناها اعم از مذهبی و غیرمذهبی از فضاهای گوناگونی تشکیل می شود، در این میان مساجد به دلیل شرایط کسانی که در آن حضور می یابند، فضاهای خاص خود را داشته است. از جمله ایوان، چهار صفا، حجره و ... ایوان یکی از مهمترین این فضاها به شمار می رود و اغلب از یک طاق آهنگ است که از سه طرف بسته و به طرف میانسرا باز می شود. ایوانها به صورت فضاهای ورودی و خروجی ساخته می شوند و به عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده ی بنا اهمیت فوق العاده داشته و به بنا برجستگی و شکوه خاصی می بخشند.^{□□□}

هنگامیکه معماران عصر سلجوقی به ساختمانهایی جدید احساس نیاز کردند، نمونه هایی از بناهای مذهبی اسلامی را کشف نمودند که از پلانهای باستانی تبعیت کرده بودند. آتشکده ها و کاخ ها، مراکزی مهم برای مطالعه و بهره مندی معماران دوره سلجوقی به شمار می آمدند. در دوره پیش از اسلام آتشگاه ها بیشتر در جاهای بلند روی تپه ها و دامنه ی کوه ها ساخته می شد و یا اینکه این بنا را بر مکانی بلند می ساختند که مشرف به منطقه نیز باشد و آتشی را در بالای آن می افروختند. نکته جالب در این است که در زبان تازی هم برج بلند را مناریا مناره می گفتند که به همان معنی آتشگاه و جایی است که آتش در آن گذاشته باشند. (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۴۰)

هنر و معماری ساسانی، میراث دار دوره های پیش از خود بود و پس از اخذ و تکمیل این شیوه معماری آن را به دوره ی پس از خود به یادگار گذاشت. ارتور پوپ در این مورد می نویسد: دو کار مهم معماری باستان یک دستیابی به گنبد روی گوشواره و دیگری تکوین ایوان طاق دار است که هر دو در رشد بعدی معماری ایران نقش حیاتی داشت. (پوپ، ۱۳۸۳: ۴۷) وجود آتشکده های گنبد دار و تاثیرات آن بر معماری مذهبی اسلامی مشهودتر از دیگر بناهاست. آتشکده های ساسانی عموماً یا به صورت چهارطاقی ساده بود و یا بزرگ تر که دارای دالان طوافی در اطراف چهارطاقی بودند. (قدیانی، ۱۳۸۴: ۲۱۲-۲۱۳) مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا نیز از همه لحاظ به شیوه چهارطاقی های کهن ایران زمان ساسانی ساخته شده است و نشان می دهد چگونه شیوه ی معماری آتشکده ها در بناهای اسلامی دنبال شد.

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

تنها تغییری که در چهارطاقی انجام شد آن بود که یکی از دهانه های چهارگانه که به سمت قبله بود را به وسیله ی دیوار مسدود کردند و در درون آن محرابی تعبیه شد. چنانچه اشاره شد زنده ترین نمونه یک چهارطاقی را که به مسجد تبدیل شده است در شهر یزد می توان مشاهده کرد. (جوادی، ۱۳۶۳: ۲۱)

آندره گدار درباره این تداوم معماری از بناهای پیش از اسلام به دوران بعد از اسلام می نویسد مقایسه ساختمان هایی از ریشه خالص ایرانی مانند کاخ فیروزآباد یا کاخ سروستان و نیز مسجد جامع اصفهان یا مدرسه تیموری خرگرد، این نکته را آشکار می سازد که در این ابنیه ما با نظامی ترکیبی مواجهیم، نظامی متشکل از ایوان ها و گنبدهایی بر قاعده مربع، و چهارطاقی ها، که تفاوت بیشتر آنها در منظره و لباس است که اسلام بر ساختمان های ساسانی پوشانده و تلاش کرده است تا مفهومی به آنها بدهد که معماری ایرانی نسبت به قبل متمایزتر گردیده است. (گدار، ۱۳۶۷: ۲۴۳)

بنابر این مساجد اولیه بناهایی بسیار ساده بودند، این مساجد چیزی جز نوعی ساختمان ساسانی به شمار نمی رفتند، بیشتر این مساجد به تقلید از طرح های محلی به صورت بناهایی شبیه به چهارطاقی ساسانی که تکمیل شده و به شکل مسجد درآمد، بنا شدند. (کیانی، ۱۳۸۷: ۴۰)

همچنین مجموعه بنای تاریخانه یا خدای خانه دامغان و مناره آن شامل بنای مسجدی در آغاز اسلام (نیمه قرن دوم هجری) از لحاظ شیوه ساختمانی تقلید کامل از بناهای دوره ساسانی است. (زهتابی، ۱۳۴۸: ۶۶۶) و (کیانی، ۱۳۸۷: ۴۰)

ویژگی خاص این مساجد ایرانی شامل یک شبستان و یا گنبدخانه و یا عبادتگاهی با یک ایوان و صحن چهار ایوانی بود که (با تمام انواع خود) از مسکن خراسان منشاء می گرفت. (کاتلی، ۱۳۷۶: ۱۱) و علاوه بر آن مصالح و روش های ساختمانی ساسانی برای بیش از چند سده در ایران مورد استفاده قرار گرفته بود و بناهای ساسانی الهام بخش و سرمشق ساختمان های تازه گردید. در این زمان، ایوان، عنصر اصلی معماری مذهبی در شرق ایران بوده است و ساختمان ایوان که از منازل خراسانی تقلید شده بود در مسجد سازی مورد استفاده قرار می گرفت. ایوان که شامل زیرطاقی بزرگ با طاق گهواره ای بود بعدها مانند چهارطاقی گنبددار، جایگاهی شد که مسلمانان در جلوی آن صف می بستند و به سوی مکه نماز می گزاردند. (حاتم، ۱۳۷۹: ۴) ایوانهای بسیار باشکوه و بلند یکی از مهمترین ویژگی معماری ایران در زمان ساسانی است و آن طاق های سر به فلک کشیده که نمونه ای از آن در خرابه های تیسفون هنوز با گذشت هزار و چهارصد سال افراشته مانده است. پوپ می نویسد ایوان عظیم تسفون بارها فرمانروایان را دستخوش غبطه ساخته و بیش از هزار سال استعداد معماران را مجذوب خویش می ساخت. (پوپ، ۱۳۸۲: ۷۸) همچنین مساجد یک ایوانی و چهار طاقی ترکیبی از یک ایوان در جلو و یک چهارطاقی گنبددار بود که در دنباله ایوان واقع بود ریشه در همین سنت داشت. (تفضلی، ۱۴۸۶: ۱۶۴)

هرچند کاربرد ایوان از دید منتقدان غربی پرسش برانگیز است لیکن چنان که گذشت ایوان به مثابه عنصر لاینفک ساختمان های پیش از اسلام ایران ریشه در یک سنت قدیمی داشته است. با ورود اسلام، طرح مساجد نخستین به

صورت تک ایوانه به اجرا در می آیند. سپس با برداشتن چند دهانه از شبستان ها یا رواق ها، مساجد دوایوانه پدید آمد که در بسیاری از مساجد منطقه ی خراسان (مانند مسجد جامع گناباد و فریومد) به عنوان الگویی د ساخت مساجد مطرح شد. حیاط چهارایوانی نیز ابتدا به همین ترتیب با برداشتن دهانه هایی از بناهای شرقی و غربی صحن مسجد و سپس ایجاد دو ایوان به جای آن پدید آمد؛ نظیر دو ایوان استاد و شاگرد در مسجد جامع اصفهان. با گذر زمان طرح چهارایوانی گنبددار که طرح خود را از کاخهای ساسانی الهام می گرفت در همه جای ایران متداول گردید. در همین روزگار بود که مسجدهای شامل یک چهارطاقی تنها نیز به مساجد بزرگ چهار ایوانی تبدیل شد. بدین طریق که در جلو گنبد مقصوره، ایوان بزرگی ساخته شد و حیاطی در برابر آن شامل سه ایوان دیگر بر محورهای اصلی به وجود آمد. بعدها این چهارطاقی ها با تغییرات دیگری که آن ها هم ایرانی بودند، مانند چهار ایوان و صحن مدرسه سلجوقی درهم آمیخت و خود به عنوان مکان اصلی مسجد ایرانی یعنی حرم تداوم یافت. در حقیقت چهارطاقی، تنها بنایی است که معرف و نماینده معماری مذهبی ایران باستان و نمونه واقعی هنر ایران بود که به خدمت مذهب اسلام در آمد.(گذار، ۱۳۶۷: ۷۸)

به تدریج و به ویژه پس از سده هفتم ه.ق. این امر مبدل به الگوی مسجد ایرانی شد و اگر مسجیدی چهار ایوان نمی داشت نوعی کاستی برای آن به شمار می آمد□□□□. (پیرنیا، ۱۳۷۱: ۴۴)

گنبد همانند ایوان، بارزترین عنصر معماری ایرانی به شمار می رود و توفیق عظیم معماران سلجوقی در گنبدسازی بوده است، چه از نظر معماری داخلی - محاسبه انتقال گنبد از پایه ای مربع شکل تا دایره بالای گنبد - و چه از نظر معماری بیرونی، در شکل و ابعاد خود گنبدها، معماران موفقیتی بی نهایت داشته اند، گاهی نمای بیرونی گنبد ساده است، و گاه مزین به طرح های هندسی و کاشیهای رنگین، مانند مسجد جامع قزوین.(رایس، ۱۳۸۶: ۶۳)

با مرور تاریخ ایران پیش از اسلام، متوجه می شویم که اجداد و پدرانمان به ساختمان گنبد آشنا بودند و آن را بر فراز آتشکده های خود می ساختند. آتشکده ها و پرستش گاه های ساسانی که در سراسر ایران و امپراطوری ساسانی پراکنده بود، گنبدی بر روی بنای مکعب شکل و از طریق پل زدن روی گوشه های اتاق ساخته می شدند. بدین سان به منظور استحکام گنبد در این گوشه ها، عنصر ساختمانی دیگری به نام فیلیپوش یا سه کنج در معماری ساسانی پدید آمد؛ سپس در معماری اسلامی به منزله طرح تزئینی، توسعه و تکامل یافت. هانری مارتن هوگ بر این عقیده است که در معماری اسلامی، به ویژه در شرق اسلامی و ایران ساخت گنبد در بنا، تکامل و تحول فراوانی یافت. و بنای گنبددار به تدریج بر دیگر سبک ها پیشی گرفت و در روزگار سلجوقیان در معماری مساجد به طور کامل جانشین شبستان ستون دار شد؛ به ویژه در قلمرو شرق اسلامی جهان اسلام، مساجد گنبددار با نقشه چهارایوانی متأثر از سبک ساسانی معمول شد.(هوگ، ۱۳۶۸: ۲۰۳)

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

آنچه می تواند به عنوان یک شیفت پارادایم و یا انتقال پارادایمی در حوزه معماری از دوره ساسانی به اسلامی، به آن توجه کرد زدن طاق قوی برای نگاه داشتن گنبد بود، این اقدام معماران ساسانی ارمغانی برای معماران سلجوقی بود. معماران ایرانی درصدد بودند که از طرح های چهارگوش به طرح های دایره وار برسند و گوشه طاق را کشف کردند.^[۱۱] (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۲۹۰) راه حل های سلجوقیان در زمینه گنبد سرآغازی برای آینده معماری ایران، به ویژه معماری دوره تیموریان بود. پیشرفت برجسته و چشمگیر سلجوقیان در این قلمرو شاید گنبد مسجد جامع اصفهان باشد. (کاتلی، ۱۳۷۶: ۱۲) مسجدی با عظمتی وصف ناشدنی در زمانی که ارتفاع خانه ها از ۱۰ متر تجاوز نمی کرد. ارتفاعی برای بیان حاکمیت دین بر ملت و حکومت و نمادی برای بیان تسلط فرهنگی دین برای هر فرد که ناظر آن می بود.

مسجد جامع اصفهان نمونه ای از بازتولید ساختمانی ساسانی:

آنچه تا کنون گفته شد را می توان در نمونه ای بسیار عالی از بناهای دوره سلجوقی به خوبی مشاهده نمود، مسجد جامع اصفهان؛ مسجدی که نقشی بسیار عظیم در پلان فرهنگی اجتماعی سلجوقیان ایفا می کرد، چنانچه درباره مسجد جامع قزوین و مسجد حیدریه شهر قزوین سخن گفته شد؛ مسجد جامع اصفهان با توجه به قرارگیری در مرکز و پایتخت سلجوقیان، می بایست در ابعاد و اندازه های این نظام سلطنتی ساخته می شد. این مسجد در عهد سلجوقی و به دستور ملکشاه سلجوقی بر روی زمین مسجدی قدیمی ساخته شد که در دوره های بعد بارها تغییراتی در آن ایجاد گردید و مسجد توسعه یافت. از آثار آن مسجد قدیمی چیزی باقی نمانده است ولی طبق نوشته های سیاحان و جغرافی نویسانی چون ابن حوقل، مافروخی، ناصر خسرو، مسجدی قدیمی بسیار ساده و دارای صحنی بزرگ با رواقهای متعدد بوده است. (کیانی، ۱۳۷۴: ۵۴)

دکتر عیسی بهنام اعتقاد دارد که در تاریخ 480 هـ.ق. ملکشاه برای اولین بار طرح مسجد چهارایوانی را ریخت و مسجد جامع اصفهان نخستین مسجدی بود که بین سالهای 480 تا 517 هـ.ق. از صورت مسجد عربی (طرح سامره) به صورت مسجد چهارایوانی درآمد. (جوادی، ۱۳۶۳: ۸۵۷) اما آندره گدار، عقیده دارد معماران مسجد جامع اصفهان، در موقع ایجاد صحن وسیع چهار ایوانی آن، مدرسه خرچرد را که بدستور نظام الملک وزیر ساخته شده بود، الگوی خود قرار داده اند.^[۱۲] (کاتلی، ۱۳۷۶: ۱۱-۱۲).

ساخت گنبد در مسجد جامع اصفهان در پایتخت سلجوقیان، تبدیل مسجد شبستانی به چهارایوانی را به خوبی نشان می دهد. چهارایوانی شدن مسجد جامع اصفهان تقریباً به چهار ایوانی شدن مساجد دیگری همچون مسجد جامع اردستان (اوایل سال 553 هـ.ق) و مسجد گلپایگان و مسجد خمارتاش در قزوین و مدرسه حیدریه در همان شهر منجر شد. این تبدیل بناهای سبک عربی به چهارایوانی، معماران را بر آن داشت تا مسجدی را از ابتدا بر اساس نقشه به

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

چهارایوانی بسازند و در تاریخ 530 هـ. ق. در شهر زواره مسجدی از ابتدا به صورت چهار ایوانی ساخته شد و پس از آن در زمان ایلخانیان در ورامین و در زمان صفویه در اصفهان و دیگر شهرهای ایران تمام مساجد به صورت چهارایوانی ساخته شدند و طرح عربی (یا طرح شبیه به مسجد جامع سامره) در منطقه جغرافیایی ایران بکلی منسوخ شد. این امر که با تغییر عمده کالبد مسجد جامع اصفهان در دوره سلجوقی و بین سالهای ۴۴۳ - ۵۹۰ هـ. ق صورت گرفت و زیربنای ساختاری مسجد را به عنوان یادگار خلافت عباسیان به هم ریخت. □□□

وجود چهار ایوان در وسط هر یک از بدنه های چهارگانه صحن متقارن نقش به سزایی در ایجاد احساس نسبت به مرکزیت حیاط و جلب توجه بیننده نسبت به کانون صحن ایفا میکند. (ویلبر، ۱۳۶۵:) رسولی می نویسد که مبنای مساجد چهار ایوانی از این زمان تا روزگار معاصر، سنت غالب مساجد ایران گردید (رسولی، ۱۳۸۶: ۶۶). در کلامی خلاصه می توان بیان داشت که مسجد جامع اصفهان در مجموع بر طبق سنت های ساسانی ساخته شده است که وضعیت کلی چهارطاقی های گنبددار ساسانی را به خاطر می آورد و ذکر نکات زیر در تقویت این سخن این است که:

۱. مصالح آن آجر و گچ است و گچ بری هم در آن دیده می شود و این مصالح در بناهای ساسانی چون طاق کسری، کاخ سروستان بکار رفته است.

۲. دیگر اینکه پلان آن مربع است و به ستون هایی که با قوس های جناغی به هم متصل است، محدود می شود و این وضعیت در چهارطاقی های ساسانی از جمله چهارطاق نیزار و ایزدخواست دیده می شود. (زمانی، ۱۳۵۵: ۱۰۳)

۳. پلان مربع تالار مسجد جامع اصفهان با کمک گوشواره ها به پایه مدور گنبد تبدیل گردیده است. این عنصر برای تسهیل تعبیه گنبد مدور در روی پلان مربع تالارهای دوره ساسانی و شاید اشکانی به کار رفته است. از جمله تالارهای مربع کاخ فیروزآباد، کاخ سروستان و ... وجود دارد.

۴. سقف این تالار عبارت از یک گنبد است که در روی پایه ای مدور قرار دارد. این نوع سقف در همه چهارطاقی های دوره ساسانی به کار رفته است. کارهای بنیادین که در زمینه های معماری و تزیین بنا، در این دوره و نیز مسجد جامع انجام شده، تاثیر گنبد، آجرکاری و تزیینات موثر از عصر ساسانی را که در آن نمایان است، نشان می دهد. (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۸۱)

و نکته ی آخر اینکه تفاوت میان گنبدهای ساسانی با مسجد جامع در آن است که نیم رخ گنبد تالار مسجد جامع اصفهان جناغی و نیم رخ گنبدهای ساسانی، مثلا در سروستان، بیضوی است. (زمانی، ۱۳۵۵: ۱۰۵)

نتیجه گیری

دوره سلجوقیان با توجه به گستردگی سرزمینی که همانند دوره ساسانی می تواند قلمداد شود، نیازمند به ساختاری دیوانی جهت اداره امور می گردد که آن را از نظام دیوانسالاری ساسانی گرفته و بر این اساس به حیات سیاسی و

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی
مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

حکومتی خویش ادامه می داده است. تلاش نخبگان ایرانی در زمینه سازی برای این ظهور و بروز امری است که به خوبی در آثار مکتوب برجای مانده از آن دوران نمایان است و می تواند یکی از دورانی به حساب آید که تفکر ایرانی در کنار تفکر خلافت، چه در زمینه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی، نگاهی به تاریخ سرزمینی خویش داشته است. در همین راستا خواجه نظام الملک، وزیر دوره سلجوقیان برای دستیابی به جامعه آرمانی و برای رهایی از مشکلات اجتماعی سیاسی و عقیدتی جامعه خود و نیز جهت ذکر الگوهای ارزشمند از جوامع پیشین به نمونه‌ها و معیارهای مطلوب عصر ساسانی تاسی می نماید و از این جهت به لحاظ مضمون، اهداف و بسیاری از شیوه‌های استدلال خویش به متون عهد ساسانی از جمله نامه تنسر و اندرزنامه ارشیر بابکان و کارنامه اردشیر رجوع می نماید و همانندی‌هایی میان مطالب وی با این آثار مشاهده می گردد، که تاثیر این اندیشه‌ها را می توان در کتاب سیاست نامه به خوبی مشاهده نمود. خواجه نظام الملک تلاش می نماید تا با توجه به ذکر برخی از نگرش‌های سیاسی خود در کتاب سیاست نامه میان نظریه شاهی آرمانی ایران شهری و آموزش‌های اسلامی پیوندی برقرار سازد. وی سعی دارد تا با جدی گرفتن جعل نسب از طرف پادشاهان آل سلجوق و تعمیم نظر به شاهی آرمانی به افراسیاب تورانی، سلطان را متوجه ملکان عجم کند، تا آنجا که خواجه نظام الملک در ذکر نسب سلجوقیان، آنها را به افراسیاب می رساند. این پیوند میان خلافت و سلطنت در نگاه غزالی نیز قابل جستجو می باشد. همچنین می توان از منتخب الدین جوینی، منشی سلطان سنجر در کتاب "عقبه الکتبه (منشآت)"، ابوطاهر محمد بن حسن بن علی بن موسی الطرطوسی در آثاری مانند "دارابنامه" و "قهرمان نامه"، محمد بن عبدالخالق میهنی در اثری با عنوان "دستور دبیری"، و قاضی حمیدالدین عمر بن محمود بلخی در "مقامات حمیدی" نام برد که تلاش می کنند تا فرهنگ گذشته را بازتولید و بازآفرینی کنند.

در کنار این بازتولید اندیشه ساسانی، هنر ساسانی آن مایه قدرت و سرزندگی را داشت که از محدوده قلمرو زمانی و مکانی خود فراتر رود و بر معماری ایران پس از اسلام مخصوصا سلجوقیان نیز موثر گردد؛ تداوم سنت معماری ساسانی نیز نشان از نفوذ این شیوه در بناهای معماری دوره سلجوقی دارد، و آنچه می تواند به عنوان یک شیفت پارادایم و یا انتقال پارادایمی در حوزه معماری به آن توجه کرد ساخت مدارس چهارایوانی بر اساس نقشه‌هایی ایرانی از دوران ساسانی است، مدارسی که در راستای تربیت دبیران و منشیان کارآمدی لازم را داشتند. علاوه بر آن در حوزه معماری نیز مهمترین ارمغان ساسانیان برای معماران سلجوقی، ایوانها و گنبدهایی بر قاعده مربع بود که معماران سلجوقی با داشتن نگاه ترکیبی، اقدام به ساخت مساجد و مدارس چهارایوانی کردند، اقدامی که امتداد آن تبدیل به فرایند شده است، تا آنجا که امروزه شاهکار مساجد ایرانی را مساجد چهار ایوانی می دانند، پدیده‌ای که ریشه در دوره اشکانی و ساسانی داشت؛ و در کلامی خلاصه می توان اینگونه بیان داشت که دوران سلجوقی، دوران بازتولید اندیشه دوران ساسانی در حوزه سیاست و معماری به شمار می آید.

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره‌گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

۱. ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۸۵). تاریخ کامل. آژیر، حمیدرضا. تهران: اساطیر.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۸۶ق). الکامل فی التاریخ. تورنبرگ، کارل یوهانس. بیروت: دارصادر.
۳. ابن عربی، ابوالفرج گریگوریوس. (۱۹۷۶). تاریخ الزمان... فییه، جان موریس. بیروت: دارالمشرق.
۴. ابن فضلان، احمد. (۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م). رساله: تحقیق سامی الدهان. بیروت: دارصادر.
۵. ابن فندق بیهقی، ابوالحسن علی بن زید. (۱۳۱۷). تاریخ بیهق. بهمنیار، احمد. تهران: کتابفروشی فروغی.
۶. ابن مسکویه. (۱۳۶۹). تجارب الامم. امامی، ابوالقاسم. تهران: سروش. ج ۱
۷. استخری، ابراهیم بن محمد. (۱۳۶۸). مسالک و ممالک. افشار، ایرج. تهران: علمی و فرهنگی.
۸. اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۲۹). عتبه الکتبه. تهران: بی نام.
۹. اکبری، مجید. (۱۳۸۴). تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام. مشهد: سمت.
۱۰. اینوسترانستف، کنستانتین. (۱۳۸۴). تحقیقاتی درباره ساسانیان. کاظم زاده، کاظم. تهران: ؟
۱۱. اینوسترانستف، کنستانتین. (۱۳۴۸). سنت ادب فارسی در قرن اول اسلام. کاظم زاده، کاظم. تهران: ترجمه و نشر کتاب.
۱۲. بارتولد، و.و. (۱۳۸۵). خلیفه و سلطان و مختصری درباره برمکیان. تهران: امیرکبیر.
۱۳. باسورت، ادمون کلیفورد. (۱۳۷۲). تاریخ غزنویان. انوشه، حسن. تهران: امیرکبیر.
۱۴. باسورت، کلیفورد ادموند. (۱۳۸۱). سلسله های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبار شناسی. بدره ای، فریدون. تهران: باز.
۱۵. براون، ادوارد. (۱۳۷۱). تاریخ ادبی ایران. ج ۱. پاشا صالح، علی. تهران: امیرکبیر.
۱۶. براون، ادوارد. (۱۳۶۶). تاریخ ادبیات ایران. مجتبایی، فتح الله. تهران: مروارید.
۱۷. بویل، جان اندره. و دیگران. (۱۳۶۰). تاریخ ایران کمبریج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانی. تهران: امیرکبیر.
۱۸. بویل، جی آ. (۱۳۸۱). تاریخ ایران کمبریج. جلد ۵. انوشه، حسن. تهران: امیرکبیر.
۱۹. بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۵۰). تاریخ بیهقی. فیاض، علی اکبر. تهران: ایرانمهر.
۲۰. بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۷۴). تاریخ بیهقی. فیاض، علی اکبر. تهران: نشر علم.

۲۱. پوپ، آرتور. (۱۳۸۲). معماری ایران. صدری افشار، غلامحسین. تهران: سروش.
۲۲. پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۷). سبک شناسی معماری ایران. تهران: سروش دانش.
۲۳. پیرنیا، محمدرکیم. (۱۳۷۱). آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۴. تفضلی، عباس علی. (۱۳۸۶). تاریخ هنر و معماری دوره اسلامی تا مغول. مشهد: سخن گستر.
۲۵. جاحظ، ابوعثمان. (۱۳۰۸). تاج. نوبخت، حبیب الله. تهران: بی نا.
۲۶. جوادی آسیه. (۱۳۶۳). معماری ایران. تهران: مجرد.
۲۷. حاتم، غلامعلی. (۱۳۷۹). معماری اسلامی دوره سلجوقیان. تهران: جهاد دانشگاهی.
۲۸. حسنین، عبدالعظیم. (۱۹۵۹). سلاجقه در ایران و عراق. قاهره: مکتب نهضه المصریه.
۲۹. حلبی، علی اصغر. (۱۳۸۱). تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز تا امروز. تهران: زوار.
۳۰. راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران: حیات اقتصادی مردم ایران از آغاز تا امروز. تهران: روزبهان.
۳۱. رایس، دیوید تالبوت. (۱۳۸۶). هنر اسلامی. ماه ملک بهار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۲. رسولی، هوشنگ. (۱۳۸۶). تاریخچه و شیوه های معماری در ایران. تهران: پشتوتن.
۳۳. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۶). فرار از مدرسه. تهران: امیرکبیر.
۳۴. زمانی، عباس. (۱۳۵۵). تاثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی. تهران: وزارت فرهنگ.
۳۵. زهتابی، محمدرضا. (۱۳۴۸). تاثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی. تهران: پدیده.
۳۶. ستارزاده، ملیحه. (۱۳۸۶). سلجوقیان. تهران: سمت.
۳۷. سومر، فاروق. (۱۳۸۰). اغوزها. دردی عنصری، انا. تهران: حاجی طلایی.
۳۸. طباطبایی، سید جواد. (۱۳۶۷). درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۳۹. طباطبایی، سید جواد. (۱۳۷۵). خواجه نظام الملک. تهران: طرح نو.
۴۰. عبدالغافر الفارسی. (۱۳۶۱). المنتخب من سیاق فی التاریخ نیشابور. اختیار ابراهیم الصریفینی، محمودی، محمدکاظم. قم: مدرسه علمیه قم.
۴۱. عبدالرزاق، علی. (۱۳۸۰). اسلام و مبانی قدرت. رضایی، امیر. تهران: قصیده سرا.
۴۲. عنایت، حمید. (۱۳۷۸). نهادها و اندیشه های سیاسی در ایران و اسلام. تهران: روزنه.
۴۳. غزالی، محمد. (۱۳۵۱). نصیحه الملوک. همایی، جلال الدین. تهران: انجمن آثار ملی.
۴۴. فرای، ریچارد و دیگران. (۱۳۶۳). تاریخ ایران کمبریج. ج ۴. انوشه، حسن. تهران: امیر کبیر.

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی
مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

۴۵. فرای، ریچارد. (۱۳۸۵) عصر زرین فرهنگ ایران. رجب نیا، مسعود. تهران: سروش.
۴۶. قدیانی، عباس. (۱۳۸۴). تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره ساسانی. تهران: مکتوب.
۴۷. کاتلی، مارگریتا. (۱۳۷۶). هنر سلجوقی و خوارزمی. آژند، یعقوب. تهران: مولی.
۴۸. کاشغری، محمودبن محمد بن حسین. (۱۳۳۵-۱۳۳۳ ق). دیوان اللغات التکرک. رفعت، معلم. استانبول: مطبعه عامره.
۴۹. کریستن سن، آرتور. (۱۳۵۱). ایران در زمان ساسانیان. هاشمی نژاد، قاسم. تهران: نشر مرکز.
۵۰. کیانی، محمد یوسف. (۱۳۸۷). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
۵۱. کیانی، محمد یوسف. (۱۳۷۴). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
۵۲. گدار، آندره. (۱۳۶۷). آثار ایران. مقدم، ابوالحسن. مشهد: آستان قدس رضوی.
۵۳. گردیزی، عبدالحی بن ضحاک بن محمود. (۱۳۶۳). تاریخ گردیزی (زین الاخبار)، حبیبی، عبدالحی. تهران: دنیای کتاب.
۵۴. گیریشمن، رمان. (۱۳۷۰). هنر ایران دوران پارتی و ساسانی. فره وشی، بهرام. تهران: علمی و فرهنگی.
۵۵. لمبتن، آن.ک.س. (۱۳۷۴). دولت و حکومت در اسلام. صالحی، سید عباس. تهران: سروش.
۵۶. لمبتن، آن.ک.س. (۱۳۷۹). نظریه دولت در ایران. پهلوان، چنگیز. تهران: گویو.
۵۷. لمبتن، آن.ک.س. (۱۳۸۵). سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام. آژند، یعقوب. تهران: امیرکبیر.
۵۸. محسنیان راد، مهدی. (۱۳۸۷). ایران در چهارکهنکشان ارتباطی. تهران: سروش.
۵۹. محمد بن منور. (۱۳۶۷). اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید. شفیعی کدکنی، محمدرضا. تهران: آگاه.
۶۰. محمدپناه، بهنام. (۱۳۸۸). کهن دیار. تهران: سبزان. چاپ سوم.
۶۱. محمدی، محمد. (۱۳۷۴). فرهنگ ایرانی. تهران: طوس.
۶۲. مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۲). تاریخ گزیده. نوایی، عبدالحسین. تهران: امیرکبیر.
۶۳. مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۷۰). مروج الذهب. پاینده، ابوالقاسم. تهران: علمی و فرهنگی.
۶۴. مشکور، محمد جواد. (۱۳۶۷). کارنامه اردشیر بابکان. تهران: دنیای کتاب.
۶۵. مروزی، شرف الزمان طاهر. (۱۹۴۲). منتخبات طبایع الحيوان. انتخاب مینورسکی. لندن.
۶۶. میرخواند، محمد بن خاوند شاه. (۱۳۳۹). روضه الصفا. تهران: پیروز- خیام.
۶۷. مینوی، مجتبی. (۱۳۵۴). نامه تنسر به گشنسب. تهران: خوارزمی.
۶۸. نظام الملک، ابوعلی بن اسحاق. (۱۳۲۰). سیاست نامه. اقبال، عباس. تهران: مجلس.

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی
مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری ساسانی

۶۹. نظام الملک، علی بن اسحاق. (۱۳۷۱). سیاست نامه. شعار، جعفر. تهران: امیرکبیر.
۷۰. نظام الملک، علی بن اسحاق. (۱۳۹۰). سیاست نامه. استعلایی، محمد. تهران: نگاه.
۷۱. نفیسی، سعید. (۱۳۳۶). محیط و زندگی و احوال و اشعار رودکی. تهران: امیرکبیر.
۷۲. نفیسی، سعید. (۱۳۸۳). تاریخ تمدن ایران در عصر ساسانی. تهران: اساطیر.
۷۳. وسیهوفر، یوزف. (۱۳۷۸). ایران باستان. ثاقب فر، مرتضی. تهران: ققنوس.
۷۴. ویلبر، دونالد. (۱۳۶۵). مساجد اسلامی ایران در دوره ایلخانیان. فریار، عبدالله. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷۵. هوگ، ج. هانری مارتین. (۱۳۶۸). سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی. ورجاوند، پرویز. تهران: علمی و فرهنگی.
۷۶. یارشاطر، احسان. (۱۳۸۰). تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان. انوشه، حسن. تهران: امیرکبیر.

مقالات:

۱. اکبری، امیر. (۱۳۸۶). برامکه و عوامل نزاع دیوان سالاران ایرانی و عرب در عهد هارون، پژوهش نامه تاریخ، سال دوم، شماره ۷. ۴۶-۵۴
۲. ایمان پور، محمد تقی. (۱۳۶۹). "نقش روحانیون زرتشتی در تقویت حکومت ساسانی". فصلنامه مطالعات تاریخی، سال دوم، شماره ۲. تابستان. ۳۴-۴۱.
۳. پریستاک، املیان. (۱۳۸۵). فروپاشی امپراطور اغوز بیغو. رحمتی، محسن. پژوهشنامه تاریخ، سال اول، شماره ۴، ۲۳-۴۰.
۴. فاضل، محمود. (۱۳۴۷). پیدایش مناره در اسلام. مجله هنر و مردم. سال هفتم. شماره ۷۷، ۷۸. اسفند ماه.
۵. ۶۴.
۵. محمودی، سیدعلی. (۱۳۷۸). کاوش عناصر نظریه دولت در اندیشه سیاسی امام محمد غزالی". مجله نامه فرهنگ، سال نهم، دوره سوم، شماره ۲ و ۳.
۶. ورجاوند، پرویز. (۱۳۵۶). استمرار هنر معماری و شهرسازی ایران پس از اسلام در دوران سلامی. مجله هنر و مردم. سال ۱۵. شماره ۱۸۰.

۵. اغوزها از ایلات ترک بودند که در قرن دوم هجری قمری، از آلتایی به شمال سیحون و اطراف دریای خوارزم کوچ کردند و از آن پس، این نواحی به نام آنها "دشت اغوز" یا "بیابان غزیه" نام گرفت. (استخری، ۱۳۶۸: ۱۷۶) و (پریستاک، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۷) یک از تیره های اغوز، "فندق" یا "نفق" نام داشت که خاندان سلجوقی بدان منسوب است. (رشیدالدین، ۱۹۶۰: ۵) پژوهشگران جدید (باسورت: ۱۹۶۸: ۲۵) با استناد به کاشغری (۱۳۳۳-۱۳۳۵: ج ۱/ ۵۵-۵۸)، به خطا، فندق یا نفق را خاندان حاکم ر همه اغوزها می دانند که مقرون به صحت نیست و چنان که فاروق سومر (۱۳۸۰: ۱۴۴) به درستی اشاره کرده، تیره فندق قبل از روی کار آمدن سلجوقیان اهمیت چندانی نداشته است.

۶. ابن اثیر (۱۳۸۶: ج ۱۱/ ۱۷۸) از مسلمان شدن اغوزها در زمان مهدی، خلیفه عباسی (حک ۱۵۹-۱۶۹ هـ.ق)، خبر داده، اما این قضیه بعید می نماید و چنان که از نوشته های ابن فضلان (۱۴۱۳: ق: ۹۱-۹۲) و مروزی (۱۹۴۲: ۱۸) بر می آید، این امر بایستی حداقل یک قرن بعد (در اوایل قرن ۴ ق) صورت گرفته باشد که بخشی از اغوزها کناره سیحون، به خاطر تاسم گسترده با بازرگانان مسلمان و مبلغان مذهبی، به تدریج با این اسلام آشنا شدند و همچنین با توجه به نوشته های مقدسی (۱۴۰۸: ق: ۲۱۹) و حدود العالم (۱۳۶۴: ۱۱۷) می توان حدس زد که آنان تحت فشار شرایط اقتصادی و مشکلات زندگی ایلی مسلمان شدند و آنها را از این زمان به بعد "ترکمنان" یا "ترکمن" نامیدند. (مروزی، ۱۹۴۲: ۱۸) بخشی از این ترکمنان، خاندان سلجوقی بودند که در پی اختلاف با بیغوی اغوز، به مرزهای مجاور قلمرو اسلامی مهاجرت کردند. پس از پذیرش دین اسلام در شهر جند مستقر شدند و از این پس به عنوان غازیان مسلمان با ایلات و طوایف کافر مجاور قلمرو اسلامی به جنگ پرداختند. (ابن عربی، ۱۹۷۶: ۸۷) و (میرخواند، ۱۳۳۹: ج ۴/ ۲۳۶-۲۳۷) ۷. اوضاع سیاسی و اجتماعی خراسان به ویژه بعد از جلوس سلطان مسعود غزنوی به سلطنت (۴۲۲ هـ.ق / ۱۰۳۱ م.) چنان آشفته بود که یک دهه حکومت سلطان مسعود در منابع "دوران فترت" نامیده شد. (عبدالغافر الفارسی، ۱۳۶۱: ۳۷؛ محمد بن منور، ۱۳۶۷: ۱۵۹؛ ابن فندق، ۱۳۱۷: ۷۹؛ بیهقی، ۱۳۷۴: ۵۵۶-۵۶۶)

۸. با ضعف خلافت عباسی و تشکیل حکومت های محلی در ایران حدود و قلمرو هر یک از این حکومت ها به حد امپراطوری سلجوقی رشد نکرد. طاهریان که اولین حکومت ایرانی پس از اسلام را در ایران آن روز تشکیل دادند بیشتر مناطقی از خراسان بزرگ را در اختیار داشتند. حکومت علویان قسمت هایی از مناطق شمالی ایران را در بر می گرفت. صفاریان در منتهی الیه پیشروی خود تا دیرالعاقول در نزدیکی اهواز پیش رفتند. سامانیان تنها در زمان امیر اسماعیل بن احمد و احمد بن اسماعیل علاوه بر خراسان بزرگ تا منطقه زنجان در سال ۲۸۸ هـ.ق. و منطقه نهاوند در سال ۳۳۰ هـ.ق. پیشروی نمودند. آل بویه در قلمرو خلافت اسلامی بیشتر در مناطق غربی و در زمان لشکرکشی عضدالدوله توانستند تا آمد و دیار بکر پیشروی کنند. غزنویان که اولین دولت ترک مسلمان در ایران بودند علاوه بر خراسان بزرگ در زمان سلطان محمود تا زنجان در سال ۴۲۰ هـ.ق و اصفهان در سال ۴۲۱ هـ.ق. بیشتر پیشروی نکردند. با این پیشینه سلجوقیان با تشکیل یک حکومت بزرگ در سال ۴۳۱ هـ.ق. به بعد توانستند بزرگترین قلمرو و حکومت قوی و امپراطوری گسترده ای که تا آن زمان سابقه نداشت را پی ریزی کنند.

۹. وی در برخی از وقایع سیاسی این عهد به عنوان نماینده و فرستاده خلیفه نقش ایفا می نمود. ر.ک. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب. ۱۳۸۳. آیین حکمرانی. صابری، حسین. تهران: علمی و فرهنگی.

۱۰. در همین راستا دعوت از طغرل سلجوقی برای حضور در بغداد نیز به دلیل مقابله با داعیان فاطمی مصر صورت پذیرفت... خلیفه دستور داد که در خطبه های نماز ابتدا نام طغرل و پس از آن نام ملک رحیم از آل بویه خوانده شود. (فرای، ۱۳۶۳: ۲۶۱) اما تا آنجا که در تاریخ مکتوب آمده است، طغرل و خلیفه رابطه خوبی پیدا نکردند.

۱۱. نورمان ها Northman دسته ای از ژرمن های شمالی که از اسکاندیناوی در اواسط قرن ۹ م. به سمت جنوب سرازیر شدند و شرق اروپا و بخشی از فرانسه و انگلستان را فتح کردند.

۱۲. این سیاست ها سبب می شود تا مردمان سرزمین های فتح شده، مثل ایران را که به نظریه ی حق الهی سلطنت باور داشته اند، بیشتر متوجه خود سازند (غزالی، ۱۳۵۱: ۱۹)

۱۳. خلیفه در تفسیر و تعبیر جدیدش در شرایط موجود جایگزین شهریاران زرتشتی و مسیحی گردید که از طرف خدا مامور حفظ نظم و اجرای فرامین الهی شده است (بارتولد، ۱۳۸۵: ۱۷)

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

اندیشه سیاسی در ایران پس از اسلام را می توان در سیاست نامه نویسی که همان ادامه آیین نامه ها، خداینامه ها، خردنامه ها و اندرزنامه های ایران پیش از اسلام، و واژه "سیرالملوک" نیز ترجمه واژه "خداینامه" است، جستجو کرد. این جریان سیاست نامه نویسی، که بهترین محمل انتقال اندیشه سیاسی ایرانشهری باستان بود بتدریج، شکل غالب اندیشه سیاسی شد.

براساس این نگرش دراندیشه ایرانشهری، شهریار همواره در مرکز قدرت قرار داشت. رفتار او با دیگران به گونه ای تحت قواعد و ضوابط خاص سازمان می یافت که علو مقام و سروری او مدنظر قرار گیرد. به جهت جایگاه وی از انظار پنهان و در پی پرده می نشست و در دسترس قرار نمی گرفت. خوابیدن، خوردن، سخن گفتن، لباس پوشیدن و تمام تحرکات او طبق سنت هایی ثابت صورت می گرفت و همگان در زمان باریابی ملزم به تبعیت از این سنت ها بودند. بسیاری از این قواعد در کتبی همانند خداینامه، آیین نامه و کتاب هایی از این دست ثبت و حتی پس از ورود اسلام به ایران ترجمه و در دسترس خلفا قرار گرفت و حتی در بسیاری موارد از آن الگوبرداری شد. از مشهورترین کتاب های ترجمه شده تاج الملوک جاحظ است که سراسر بیان اداب ایرانی دربار شاهان ساسانی است. وی می نویسد: "و نخست از پادشاهان ایران شروع می کنیم زیرا ایرانیان در رسوم و اداب بر سایرین سبقت و مزیت دارند و ما - از قوانین مملکت داری و تدابیر کشوری و اداب پادشاهی و سیاست مدن و ملت پروری و برخورداری هر طبقه از طبقات مردم و ایفاء بحفظ منافع آنها و صیانت حدود هر یک آنچه آموخته ایم سراسر از ایرانیان فرا گرفته و از اداب ایشان برخوردار شده ایم. (جاحظ، ۱۳۰۸: ۲۹)

آنان با ورود به این مناصب حکومتی، به نظام اداری، حکومتی و کشورداری دوره ساسانیان توجه نشان دادند، برای نمونه اندیشه وحدت دین و دولت که در زمان ساسانیان مطرح شده بود، نظر این خاندان ها را به خود جلب کرد، این نظریه در زمان ساسانیان به عنوان یک حکم در متون مذهبی وارد شد، چنانچه در دینکرد آمده است: چیزی که اهریمن با سرسختی بسیار با آن پیکار می کند، گردآمدن خوره شاهی و خوره بهدینی است به نیروی تمام در یک تن؛ زیرا که نابودی او در به هم پیوستن آن دو است. احتمالاً آمیختگی دین و دولت تا اندازه زیادی از اندیشه های سیاسی اردشیر ساسانی بود. توجه بیش از حد به دین نیز در میان دیگر پادشاهان ساسانی از خصوصیات بارز آن دوره است. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۸۴) از گفته های اردشیر درباره لازمه وحدت دین و دولت بر می آید که: "بدانید پادشاهی و دین، دو برادر همزادند که پایداری هر یک جز به آن دیگری نباشد. زیرا دین شالوده پادشاهی است و تا کنون، پادشاهی پاسدار دین بوده است. پادشاهی را از شالوده و دین را پاسداری گزیزی نباش، زیرا آنچه را نه پاسدار است تباہ شود و آنچه را نه پایه، ویران گردد." (ابن مسکویه، ۱۳۶۹: ۱۱۶) زمینه های وابستگی مذهبی اردشیر در دوره ساسانیان سبب سردادن شعار همراهی دین و دولت گشت. این نوع نگاه به وحدت دین و دولت را می توان در بازتولیدی که غزالی به انجام رسانده نیز مشاهده کرد تا آنجا که در این باره می گوید: "نیکوترین چیزی که پادشاه را ببايد دین درست است، زیرا که دین و پادشاهی چون دو برادرند از یک شکم مادر آمده باید که تیمار دارنده مهم در کار دین بود." (غزالی، ۱۳۵۱: ۱۰۶)

محمد استعلایی در بازشناسی و نقد و تحلیل کتاب سیاست نامه می نویسد: این کتاب سیر، قانون اساسی نه چندان مدونی است که مسئولیت پادشاه و وزیر و فرمانروایان ولایات و همه دست اندرکاران کشوری و لشکری را باز می گوید. (نظام الملک، ۱۳۹۰: ۱۵)

آنچه که در این کتاب ها ذکر شده، شامل نکته های اخلاقی و اجتماعی و حاوی تدبیرهای لازم خطاب به جانشینان برای احیای سنت های دوره ساسانی است؛ توجه ابن مسکویه (۳۲۰ - ۴۲۱ هـ.ق/ ۱۰۳۰ - ۹۳۲ م) به این متون و ترجمه برخی از آنان نشان می دهد که این کتب، نسخ معروفی بوده اند (نفیسی، ۱۳۳۶: ۳۴۹) که مورخان با آن آشنایی داشته اند و خواجه نظام الملک نیز برای دستیابی به جامعه آرمانی و برای رهایی از مشکلات اجتماعی سیاسی و عقیدتی جامعه خود و نیز جهت ذکر الگوهای ارزشمند از جوامع پیشین به نمونه ها و معیارهای مطلوب عصر ساسانی تاسی می نماید و از این جهت به لحاظ مضمون، اهداف و بسیاری از شیوه های استدلال خویش به متون عهد ساسانی از جمله نامه تنسر و اندرزنامه ارشیر بابکان و کارنامه اردشیر رجوع می نماید و همانندی هایی میان مطالب وی با این آثار مشاهده می گردد، که تاثیر این اندیشه ها را در نگرش مردی سیاست مدار، چون خواجه نظام الملک آن هم در نگارش اثر معروف خویش سیاستنامه نشان می دهد.

در کتاب تاریخ ایران کمبریج آمده است در سال ۴۵۹ هـ.ق/ ۱۰۶۷ م. نظامیه بغداد گشایش یافت، و نظام الملک رنج بسیار برد تا ابواسحق شیرازی را به تدریس در آن راضی کند و بعدها در سال ۴۸۴ هـ.ق/ ۱۰۹۱ م. وی ابوحامد محمد غزالی، متکلم و فیلسوف را که تنها سی و سه سال داشت و در بیرون از خراسان چندان آوازه ای نداشت جهت تدریس به این مدرسه آورد (بوئل، ۱۳۶۰: ۷۶). سیوطی درباره این معلم مدرسه می نویسد که اگر ممکن بود پس از محمد(ص) پیغمبری بیاید، بی شک آن کس غزالی می بود. غزالی مدت ۴ سال (از سال ۴۸۴ هـ.ق/ ۱۰۹۱ م. الی ۴۸۸ هـ.ق/ ۱۰۹۵ م.) درانجا به تدریس مشغول بود (براون، ۱۳۶۶: ۲۵۹). در این زمان میان عالمان و فقیهان، مناقشات و مجادلات مذهبی بالا گرفته بود و هر زمانی که جماعتی به آنها می رسیدند و یا در مجلسی حاضر می آمدند، مسائل علمی و مذهبی را مطرح و مذاکره می کردند و برخی اوقات کار از مذاکره و مجادله به مشاحره می کشید و در این میان مردم عوام با شعار مادر مرده به هواداری از هوا و هوسهای ریاست طلبانه ی فلان یا بهمان برمی خواستند. گاهی این بحث ها به کشتار نیز می انجامید! نمونه هایی از این مجادلات را در کتاب طبقات الشافعیه می توان دید. (حلی، ۱۳۸۱: ۳۵۷). به یاد داشته باشید که ۱۱ سال پیش از ساخت

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

مدرسه (نظامیه) بغداد، کتابهای شیخ طوسی را در شهر بغداد آتش زدند و شیخ طوسی به نجف رفته و در آنجا حوزه علمیه نجف را پایه گذاری کرده است. شیخ یک سال بعد از آغاز بکار مدرسه بغداد می میرد. با توجه به این اوضاع و احوال پیش آمده و توجه به بسترهای آماده شده برای مناظرات، آیا ساخت نظامیه بغداد در جهت مبارزه با حرکت علمی شیعیان نمیتواند بحساب بیاید؟ و دعوت خواجه نظام از اساتید اهل تسنن می تواند دلیل ما را قوت بخشد که این اساتید در فن خطابه و جدل و خلاف که سه حربه عالمان آن دوره بود، استاد تمام بودند. حلبی در کتاب تاریخ فلاسفه ایرانی خویش آورده که ابوالسحق مسائل خلاف را چنان مسلط بود که یک مسلمان سوره فاتحه را (حلبی، ۱۳۸۱: ۳۵۷) این شیوه که در بکار گیری اساتید که در آن زمان توسط خواجه نظام الملک بکار گرفته شده است، شیوه مناسبی برای استفاده از نیروی علم در جهت تثبیت اهداف کلی حکومت می تواند به حساب آید که بدنبال آن مردم توده نیز راهی را که این عالمان نشان می دهند دنبال می کنند، این امر در زمانی رخ می دهد که شیعه از داشتن بزرگ مردی همچون شیخ طوسی محروم است و در ثانی کتابخانه دارالعلم بغداد را نیز به آتش کشیده اند. یعنی به کناره کشیدن یک جریان و نهضت فکری و پر رنگ تر کردن نظام مطلوب حاکمیت در منطقه؛ این امر با ساختن مدارس که هم وجهی علمی داشت و هم به جذب علما کمک می کرد در این دوره صورت پذیرفت. به نکته ی جدایی مسجد از مدرسه نیز توجه داشته باشید. از جمله کسانی که به تدریس در این مدرسه اشتغال داشتند علاوه بر ابوالسحق شیرازی و محمد غزالی می توان به امام ابونصر دباغ؛ ابوالقاسم دبوئی؛ شاشی؛ کیای هراسی؛ نجیب الدین سهروردی اشاره کرد. (حلبی، ۱۳۸۱: ۳۹۰)

ایوانها کانونی است برای تزئینات مختلف بنا، همچنینی ایجاد مقرنس ها با شیوه های مختلف آجرکاری، گچ بری و کاشی کاری. (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۸-)

(۱۹)

کیانی در کتاب خود می نویسد که تحقیقات باستانشناسی و تاریخی نشان داده که مساجدی مانند مسجد شوش و مسجد فهرج از قدیمی ترین نمونه های مساجد در ایران دوره اسلامی است که به اعتقاد محققان، متعلق به صدر اسلام است. شیوه بنا و ویژگی های این مساجد به معماری بناهای ساسانی شباهت دارد. (کیانی، ۱۳۸۷: ۴۰)

شاهکار مساجد ایرانی را مساجد چهار ایوانی می دانند، پدیده ای که ریشه در دوره اشکانی و ساسانی دارد. پدیده ای که در دوره اسلامی مورد استقبال قرار گرفت و به عبارتی هم محل عبادت تابستانی و از جهتی دیگر در راستای شکوهمند ساختن هر چه بیشتر شبستان گنبددار به مقابل شبستان های گنبد افزوده می شد. (ورجوند، ۱۳۵۶: ۱۸۰)

سلجوقیان در بکارگیری گنبد دوپوسته بر روی نقشه چهارایوانی نیز دقت زیادی کردند و نوع جدیدی از پایه را برای آن تدارک دیدند یعنی سه پره را که مرکب از دو پره نوک تیز جانبی بود و پا کارقوس روی سومی قرار میگرفت. و علت وجودی گنبد دوپوسته، فضای داخلی و قالب خارجی بود؛ گنبد داخلی نیمکره ای بود و حال آنکه گنبد بیرونی شکل بیضوی نسبتا نوک تیزی داشت.

نگارنده با نظر آندره گدار موافقت بیشتری دارد زیرا با توجه به نظام مدرسی و معماری مسجد مدرسه این اقتباس صورت پذیرفت و سبک معماری چهار ایوانی در بناهای مذهبی به ویژه در مساجد این زمان متداول شد. همچنین تمایل شدیدی به احیای پاره ای از ویژگی های معماری پارتی به وجود آمد، معماری شبستانی گنبدخانه که در اواخر شیوه خراسانی معمول گردیده بود فراگیرتر شد و سرعت بیشتری یافت و سپس در اوایل قرن پنجم هجری با یک جهش بی سابقه به مساجد چهار ایوانی تبدیل گردید.

طبق قولهای بسیار در منابع معتبر ساخت مسجد جامع اصفهان را به سال ۱۶۵ هـ.ق. باز می گردد که مسجدی ساده با صحنی روباز بوده است، در سال ۲۲۶ هـ.ق. به امر المعتصم عباسی، پس از تخریب مسجداولیه، مسجد جدیدی با مساحت بزرگتر و به سبک مساجد شبستانی ستوندار ساخته شد. مقارن با فرمانروایی آل بویه، یعنی در اواسط سده چهارم هـ.ق. اجزایی به بنای کهن اضافه و فضای ستوندار آن از سمت مشرق توسعه داده شد، ولی تحول اساسی در دوره سلجوقیان رخ داد.

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی

مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی
مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی

عنوان مقاله: عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی
مطالعه موردی: بازخوانی بهره گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی